

# بیکار

صفحه ۵

صفحه ۶

صفحه ۶

صفحه ۹

صفحه ۱۰

صفحه ۱۲

**مسئله‌ای بنام "جنوب لبنان"**  
**طرح تشکیلاتی کارگران بیکار (۳)**  
**درباره ترکیب (قسمت سوم)**  
**در کله‌گیلویه و بویر احمد چه میگذرد؟**  
**گزارشی از مبارزه کارگران بیکار تبریز**  
**اعلامیه سازمان بمناسبت تحسن همافران مبارز**

## ۳۰ تیر: روزی تاریخی، قیامی الهام بخش

### درسهای ۳۰ تیر و وقایع پس از آن

نشانه و مورد حمایت آن از کشور ریشه کن شود و ایران، استقلال و آزادی خود را باز یابد.

اما این انقلاب، که طی یکسال بطور مدام اوج روزی افزون گرفته بود، نیمه کاره ماند و توده های زحمتکش در راه ادامه انقلاب با موانعی روبرو شدند. موانعی که سرنوشت انقلاب و پیروزیهای بدست آمده را به نابودی تهدید می کند، زیرا:

۱) قدرت سیاسی را پس از واژگونی رژیم شاه، نه طبقه کارگر و دهقانان و دمکراتهای انقلابی، بلکه لیبرالهای اصلاح طلب و قشری از انحصار طلبیان زیر لویای مذهب بدست گرفتند و این غصب و سلب قدرت از توده ها دقیقاً ناشی از خرافی بود که از لحاظ عدم وجود تشکل طبقه کارگر و حزب و در نتیجه رهبری وی بچشم میخورد. و بهمین دلیل امروز این خطر وجود دارد که تمام دستاوردهای همین انقلاب نیمه تمام هم بنفع سلطه تمام عیار امپریالیسم و ارتجاع - ولو در شکلی دیگر - بیاد برود.

۲) حاکمیت امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، بر اساس خواست زحمتکشان می بایست بطور کامل و غیر بقیه در صفحه ۲

بیست و هفتمین سالگرد قیام توده ای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را در شرایطی متفاوت با سالهای گذشته برگزار می کنیم، از کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد که حکومت ملی صدق را سرنگون کرد تا کنون خاطره این قیام عظیم توده ای و یاد شهدای گرامی آن که جان در راه استقلال و آزادی ایران و مبارزه بی آمانی علیه امپریالیسم باختند، همواره در نهان برگزار شده است.

اهداف ضد امپریالیستی ۳۰ تیر در مبارزات مردمی سالهای بعد از کودتا، همواره حضور داشت و الهام می بخشید و امروز هم طریقه تغییر برخی شرایط همچنان الهام می بخشد و آن خونهای پاک که نثار استقلال و آزادی ایران شد همچنان می جوشد. امروز، ما در چه شرایطی آن قیام مردمی را گرامی می داریم؟

توده های مستبد و با سرانجام با مبارزات مداوم و قهرمانانه خود، که در اشکال مختلف جلوه گر شد، سرانجام در قیام مسلحانه بهمین ماه ۲۷ بساط سلطنت را در هم پیچیدند و به امپریالیسم ضربات سختی وارد آوردند. در اینجا امید زحمتکشان ما این بود که سلطه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی امپریالیسم و ارتجاع دست

## حوادث مریوان و دروغ پردازیهای رادیو و تلویزیون

روز شنبه ۵۸/۴/۲۲ بنا به دعوت اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان اتحادیه کارگران، اتحادیه زنان و ... تظاهراتی (با شرکت حدوده هزار نفر) بر علیه توپخانهی که به خلق کرد می شود در اعتراض به سانور رادو تلویزیون بر پا میگردد. شعارها عبارت بودند از: ایران میهن ماست، کردستان جای زندگی ماست، ما از ایران جدا نمی شویم، از مذاقی ایران ندای مردم بگویند ما نمی رسد... این تظاهرات مورد حمله پاسداران کمیته اسلامی قرار گرفته و به خون کشیده می شود که در ضمن این درگیری و دفاع متقابل سه نفر از تظاهرات کنندگان و ۹ نفر از افراد کمیته کشته می شوند و از طرفین حدوده ۵ نفر زخمی میگرددند حال خیلی از آنها وخیم است. کمیته پاسداران اسلامی محل چهار روز بنسبت ۵۸/۴/۱۹ توسط آیت الله کرمانی، روحانی اعزامی از قم تشکیل شده که این روحانی با بولی فراوان، عده ای از اوباش و افراد "مکتب قرآن" و قیاده موقتی ها را استخدام می کند. و در ضمن سخنرانیهایی در پادگان شهر برای آنها، مردم را ضد انقلابی خوانده و توپخانهی میکند. این عده را بر علیه مردم تحریک میکند.

پس از درگیری، کمیته بدست مردم افتاده و اسناد زیادی که حاکی از توطئه های دولت و همدستان وی و دادن پول و اسلحه به اوباش ها می باشد بدست مردم افتاد. در شهر پادگان وجود دارد که املا در این جریان شرکت نکرده، که دلیل آنرا مقاومت ارتشین کرد در پادگان نقل کرده اند. ضمن اینکه افسرانی چون مداحی، بیه گفته مردم در پادگان بر علیه مردم توطئه چینی میکنند. دولت با هلی کوپتر از کرمانشاه تعداد دریا "مجاهد" آورده که هم اکنون در پادگان سمری برند و بساز درگیری خبری حاکی از آن بوده که نیروهای ارتشی در ظهیر تحت عنوان باز گرداندن آرامش به منطقه و در باطن جهت سرکوب از زحمان و همدان سمت مریوان در حال حرکتند، که مردم تصمیم داشتند از ورود آنها جلوگیری کنند. این واقعیت که ارتش می خواهد در بقیه در صفحه ۴

## سرمایه داران آینده خود را تضمین میکنند و مالکیت تقدیس می شود

**نصیحت کردن سرمایه دار کوچکترین تاثیری در عطش سیری ناپذیر او ندارد کارگران صدقه نمی خواهند، آنها حق شان را میخواهند**

مرطوب نگه داشتن پارچه جریان هوای مرطوب را وارد فضای کارخانه میکنند (در زمانی نسبتاً کوتاه زندگیشان را به نفعی خوشگذرانیهایی صاحبان کارخانه و کارفرمایان می نازند. اگر کمی بدقت در اوضاع و احوال جامعه مان دقت کنیم مشاهده خواهیم کرد که عامل این همه فقر و فحشا و زدنی و از هم پاشیدگی خانواده ها کسی بجز سرمایه دار نیست. و سرمایه داران بزرگترین و بیرحم ترین جانینان عمر حاضر هستند. سرمایه داران کشور ما امروز در اثر گرامی انقلاب و به این دلیل که خود استثمار در زیر علامت سوال قرار گرفته بوسیله ایادیشان و با خرج میلیونها تومان علیه کارگران به مبارزه برخاسته اند و با کثیف ترین شیوه های دارند کارگران را از هدف امیلیشان که تفریحی استثمار و کسب حاکمیت سیاسی است منحرف کنند. یکی از این روشها این است که کمونیستها را متهم میکنند که فقط به مسائل رفاهی و مادی زحمتکشان توجه دارند و اصلاً در پی سر آوردن نیازهای معنوی آنها نیستند. اینها مسائل را کسانی میزنند که از کار کودکان با حداقل مزد استفاده میکنند و آنان را برای همیشه از سواد آموزی و مدرسه محروم میکنند.

"احام امر آزادی جهان رسالت تاریخی بیرونی است. ساخت شرایط تاریخی و همراه با آن ساخت ماهیت مبارزه رهایی بخش و آگاه نمودن طبقات استثمار شده که امروز رسالت شرکت در این مبارزه را دارند. به شرایط و طبیعت عملشان و طیفه بیان ثروت مندانه قرار دارند و در طیف دیگر سوسیالیسم علمی است."

انگلس: تکامل سوسیالیسم از تحلیلی جامعه ما جامعه ای است طبقاتی، در هر جامعه ای که عده ای قلیل از همه نوع امکانات زندگی برخوردار باشند فقر اکثریت شرط بقای چنین جامعه ای است. در یک قطب این جامعه ثروتمندان قرار دارند و در قطب دیگر کسانی قرار گرفته اند که امکانات آنها تنها برای زندگی بخور و نمیزی است که بقای آنان برای تولید سود بیشتر تضمین میکند. کارگران ایران که با اصلی رنجها و محرومیتها را بر دوش دارند با خطر انداختن جانشان، مانند کار کردن در داربستهای بلند بدون وسایل ایمنی (چون تهیه وسایل ایمنی سود کمتری را نصیب کارفرما میکند) یا کار کردن در محیطهای غیر بهداشتی مانند کارخانه های باره پایی (که برای

## درباره راهپیمایی وحدت

راه پیمایی "وحدت" هفته گذشته در سراسر ایران با شرکت میلیونها تن از هموطنان ما برگزار شد. برخی از نیروهای دمکرات و انقلابی و نیروهای مارکسیست - لنینیست واقعی در این راهپیمایی شرکت نکرده اند. علت چه بود؟ شاید در یک کلام بتوان گفت دلیل شرکت در این راهپیمایی، همان دلیل عدم شرکت در رفاندن نامگذاری جمهوری بود زیرا که "وحدت خود بخود هیچ چاقینی ندارد مگر اینکه محتوای آن انقلابی و در جهت منافع زحمتکشان باشد. ما بارها اعلام کرده ایم که همبستگی نیروهای ضد امپریالیست و ضد ارتجاع لازم بوده و ضرورت حیاتی دارد، و بارها نیز اعلام کرده ایم که بورژوازی حاکم و همدستان انحصار طلبی توانسته اند مقوف خلق را تا حد زیادی از هم جدا کنند. آنها توانسته اند برای رسیدن به منافع خود که در جهت عکس منافع توده ها است عملاً امپریالیسم را تا حد زیادی تطهیر کنند و سمت مبارزه را به سوی درگیریهای بقیه در صفحه ۲

# باز هم فاشیسم باز هم شهید

## گزارشی به خلق



ادامه از صفحه اول

ایدئولوژیک و مبارزه با نیروهای واقعی انقلاب (اعم از مذهبی و مارکسیست-لنینیست) هداست کنند. وان عمدتاً سنگین تر کردن وظائف نیروهای انقلابی بوده است. راه بیماهی "وحدت" که مصلوبها توده پرشور در آن شرکت داشتند، از نظر توده ها کوشی بود برای حفظ دستاوردهای انقلابی که تا نام ماند است، شور آنها در واقع از اس واقعیت سرچشمه میگردد که توده ها آنچه را با حاشیای خود بدست آورده اند حاضر نیستند به این سادگی از دست دهند، و از این نظر، کسانی که امروز نقاب انقلابی رده اند و توده ها را "راه مبارزه ضد امپریالیسمی و دمکراتیک خود" که راه مکتبنا ننديا بدندانندهميين نوده ها که بیشک فردا پی به ما هب و اوقتی آنان خواهند سرد، تما موطئه ها و تفاسق - افکسی ها و قربکاری امروز آنها را به صد خودسندل خواهند کرد.

اما هدف بورژوازی و همدستان وی از این راه - بیماهی چیز دیگری بود، آنها می خواستند از یک طرف به حمایت بوده ای که سنار مهابت طبقاتی خویش هر دم انتظار فروریختن آن وجود دارد، مطمئن گردند، و از جانب دیگر با کماتور قدرت زبینه را برای اقداماتی که در پیش دارند آماده سازد. قطعنامه نظر هرات "وحدت" به روشنی گویای هدف های سرشدهندگان این راه بیماهی بود "تا شد مجلس خیرگان"، (سند ۳ قطعنامه) و خواستار "حاکم مستقیم ارتش و نیروهای انتظامی در سرکوب نمودن عوامل راسته به بیگانه شدن (بند ۵ قطعنامه) با توجه باینکه امروز دیگر توده های آگاه و نیروهای انقلابی با فرهنگ خاص هیئت حاکمه آشنائی لازم را پیدا کرده اند چرا که در فرهنگ آنها کارگران حق طلب "خد انقلابی" اند، سادستی، "جاسوس" است، مارکسیست-لنینیست های واقعی عمال بیگانه اند آنها عمال آمریکا!! و... - معنای این بند نیز معلوم میشود: قدرت نمایی اخیر در منطقه کردستان، و توطئه ارتش بر علیه نیروهای انقلابی و خلقهای این منطقه معنای واقعی و عملی این بندهاست. جالب است که در این بنده انقلابیون و زمینکشان درکنار پس مانده های رژیم جا میگیرند!!، دیگر نمیتوان از این تحریک آمیزتر و توطئه گرانه تر حرف زد، تهدید مطبوعات و گروههایی که بر علیه نظرات هیئت حاکم می نویسند و عمل میکنند (بند ۷) سند دیگر اسس قطعنامه است

آری اینها جنبه اساسی و عمده قطعنامه درکنار شعارهای همبستگی ایدئولوژیک است.

مفک کافیت به این مسئله توجه داشته با تیم این نوع قطعنامه ها زمانی صادر میشود که دشمن اصلی خلقهای ایران امپریالیسم آمریکا است و جنگهای ایس امپریالیسم در اقتصاد ما (در نفت و...) بصورت عیان و آشکار دیده میشود و در ساس توسط عمال شناخته شده و شناسا... خویش عمل میکند... آری در چنین شرایطی در این قطعنامه نامی هم از این دشمن اصلی به میان نمی آید... در اینجا باید پرسید کسانی که حاضر میشوند در تظاهرات شرکت کنند که طراحان اصلی آن چس هدف هایی را دنبال میکنند، چه پاسخی به خلق دارند؟

وضع تنظیم کنندگان اس قطعنامه روش است، عملکرد آنها روشن است. این نه اولین و نه آخری صحنه از تلاشهای آنان برای سوء استفاده از ناآگاهی خلق است...

وضع نیروهای مانند حزب خاشن نوده نیز روشن است. اوحتی از نظر ظاهر نیز پای سند اصول مارکسیسم - لنینیسم نیست. او در واقع هم خواستار واقعی اجرای مواد فوق از قطعنامه است. در این راه حتی حاضر است در تظاهرات شرکت کند که گردانندگان آن مارکسیست-لنینیستها را دشمن اصلی توده ها معرفی میکنند.

اما نیروهای مذهبی دمکرات و انقلابی نظیر مجاهدین خلق در اینجا چکار میکنند. آیا آنها به مفاد این قطعنامه صحنه میگذارند؟ آیا آنها قتل عام هائی را که ارتش تدارک می بیند صحنه میگذارند؟ نباید از چنین نیروهای پرسیده شود که شما که حتی حق نظارت در تنظیم قطعنامه راه بیماهی را ندارید چرا با دعوت خود از توده ها به توهم آنها کمک می کنید، (همانطور که در رفتارندم گردید). آیا شما قدرت خود را در هنگامی با قدرت حاکم می بینید یا در

روز جمعه ۲۱ نیر ماه ۵۸ یکی از جوانان مبارز لالی (از سوابق مسجد سلیمان)، به نام رضا برات وند بدست فاشیست ها به شهادت رسد. درباره چگونگی اس حنا بدست دمتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر (در مسجد سلیمان) گزارشی با عنوان فوق انتشار داده که در زیر قسمت هایی آرا آن را مطالعه میکنید:

... فاشیستها، اس نایگان که از طرفی سوان بر خورد عمدتی را ندارند از طرف دیگر از سوع اندسته های منرقی سخت در هاست با شیوه فاشیستی خویش دست به سرور صاحبان اندیشه های مترقی مینند، به امید آنکه ناسوبی اندیشه را باعث گردند. زهی حال ناطل. فاشیستها برای نیل به مقاصد خویش به هر عملی دست مینند. کنایفروشها را به آتش میکشند، کمال شیرزادها را میسوزانند و هزاران نمونه دیگر.

روز جمعه ۲۱ تیر ماه ۱۳۵۸ یک دانسجوی مرتجع مذهبی (که جنگ بر او ساد) بنام طاطبایی، که به اصلاح خودش ماموریت داشته مردم لالی (یکی از بخشهای مسجد سلیمان واقع در شمال غربی این شهر) را آزاد کند. با کمک چند نفر دیگر، دست به سرور یکی از مبارزین این منطقه مینزند. ایس (فرد) با کمک یکی از مامورین ساواک به نام مهندس موذنی و به همراهی اس از اهالی محل بنامهای: محمود جلودار، احمد جلودار، و رجب حمیدی نژاد، جعفر ماطوری و ابراهیم سلطانی، یکی از جوانان مبارز لالی بنام رضا برات وند را خفه کرده و سپس برای عوام فریبی و منحرف نمودن اذهان جسدش را در رودخانه "آب شور" لالی مانتازند. تا بدین ترتیب وانمود کنند که به هنگام شفا خفه شده است. برای روشن شدن اذهان تمام افراد و نیروهای مترقی خود را موظف مانتازیم بیامون اس مسئله توضیح بیشتر بدیم:

مدتی پیش اکیپی از دانشجوان مذهبی، برای ارشاد و سازندگی!!؟ وارد لالی میشوند. یکی از افراد این اکیب به نام طاطبایی، سمد از بدتی اقامت در لالی و فعالیت در مقام مبلغ مذهبی و کلم قرآن، با تعدادی از اهالی محل، بخصوص افراد مذکور در فوق و مهندس موذنی آشنا میگردد. مهندس موذنی یکی از ساواکیهای انقلابی!! است که پس از فبام آتونه بر سر خویش ریخته و به جلده گاه فاشیسم رفته. وی با نوشتن یک ندا متنامسه، گناهان خویش را شسته و اکنون به شکل افتخاری برای مسئولین انقلابی!! اموریا سمت بخشدارد لالی کار میکنند.

ایس فرد برای اثبات خوش خدمتی خویش به مسئولین آنجنان که مشخص شده، به پاسداران دستور اکند داده که شبها هر که افراد کمونست را دندند آنها را هدت گلوله فرار دهند.

جناب بخشدار ایس دستور را پس از آمدن مدسی، استاندار خوزستان به لالی صادر میکند. مدنی در بازدیدش از لالی مردم را تهدید کرده که (اگر کوچکترین حرکتی بکنید، به سر شما همان لالی را خواهم آورد که بر سر عربها آوردم). مدور دستور هدف فرار دادن کمونیستها، خشم افراد مبارز را برمی انگیزد، بر همین اساس رضا به بحث های طولانی با افراد مذهبی بخصوص با طباطبایی میریزد. علاوه بر این رضا در زمینه افشاء گری از طریق بحث شدیداً فعالیت میکرده.

مدنی جهت (باند فوق) تصمیم میگردند، رضا برات وند را که مبارزی پرانرژی بوده، به مساسب داشتن اندیشه ای جدا از اندیشه آنها از میان بردارند. بر این اساس روز جمعه ۵۸/۴/۲۱ حدود ظهر وی را خفه کرده و جسدش را در آب می اندازند. آنان پس از انجام این عملیات به ظاه موفقیت آمیز خویش به هنگام بازگشت به لالی آنهم در میان راه، در حالی که سوار بر دو ماشین بوده اند، با دو نفر... برخورد می کنند، که برای آتونی نغم "آب شور" (محل وقوع حادثه) بوده اس. اس دو نفر پس از رسیدن به کنار رود متوجه یک دست لباس و یک بخدان میشوند و پی می برند که حادثه ای اتفاق افتاده.

قاتلین که تقریباً دستشان روده سوسدسرای رد گم کردن بلافاصله پس از رسیدن به لالی به مردم و کمیته اطلاع میدهند که رضا برات وند، غرق شده. مردم به همراهی عده ای از دوستان رضا برات وند به محل حادثه میروند و پس از مدتی جستجو حسد را از آب بیرون میکنند. روی بینی جسد یک خراشیدگی وجود داشت و دهان و بینی اش پر از شن بود. که این احتمالاً نشان دهنده آنست که سر رضا را در شن ها فرو برده اند و بدین

ترسبوی را خفه کرده اند. دوستان رضا بلافاصله وی را به شکل "سرازیر" نگه میدارند و شکمش را فشار میدهند. اما حتی یک قطره آب هم از دهان یا بینی رضا بیرون نماند. و این مشخصه، به تنهایی حکما ساز آن دارد که "رضا شهید شده". پس از آن که جسد از آب گرفته شد، طاطبایی محمود جلودار، احمد جلودار، رجب حمیدی نژاد و محمود حمیدی سزاد، شدیداً وحش کرده و دچار تناقض گویی شدند.

وقتی مردم علت حادثه را از آنها حوسا شدند، هریک از آنها توضیح ماجرا را به دیگری موکول نکرد. حتی یکی از آنها آتفته شد و فریاد زد: چرا من توضیح دهم، من که هیچ نقشی در اس ماجرا نداشته ام. جسد کاملاً حالت دفاعی داشته، به این شکل که دستهاش روی سینه و تک پایش به جلو بوده و ایس نشان میدهد که احتمالاً در حالیکه عاملین حادثه سر رضا را در شن فرو کرده بودند، وی سعی میکرد که از زمین بریزد اما موفق نشده.

پرشک محل که تک نفر هدی است با دندن حسد بلافاصله به شکل غیر ارادی، رو به سرادر شهید میکند و از وی میبرد: "برادرتان با کسی دشمنی داشته؟" کسه این غیر طبیعی بودن خفگی را نشان میدهد. اما پس از معاینه حسد اس پرشک حواز دندنی مادر میکند و وانمود میکند که خفگی به شکل طبیعی بوده. عده ای از رفقای رضای شهید به پرشک مضمور مراجعه میکنند و از او میخواهند که توضیح دهد، در حالیکه وی پرشک قانونی نیست به چه مجوزی، جواز دفن مادر کرده؟

وی پاسخ میدهد که: پرشک قانونی مسجد سلیمان، کتبا به وی اجازه داده.

این مسئله بسیار تعجب آور بود که چگونه ظرف سه، چهار ساعت، پرشک قانونی مسجد سلیمان، خیردار شده و مجوز کتبی را به دست پرشک مزبور رسانده؟ در حالیکه فاصله زمانی از مسجد سلیمان به لالی لاقل ۲ ساعت طول میکشد.

به همین علت رفقای رضای شهید، از پرشک میس - خواهند که مجوز را نشان دهد.

وی پاسخ میدهد: مجوز پیش رئیس پاسگاه است. سپس از وی میپرسند: اگر خفگی طبیعی بوده چرا پس از وارونه کردن جسد، آب از حلی و بینی آن خارج نشده؟ وی میگوید: مقداری آب در ریه اش بوده، اما خارج نشده. از او میسرسند: از کجا چنین تشخیصی را داده؟ پاسخ میدهد: با یک دستگاه مخصوص این را فهمیدم. اما دوستان وی که در تمام طول معاینه و دفن جسد شاهد بوده اند، به وی تذکر می دهند که وی هرگز دستگاهی بکار نبرده اس.

در اسنجا پرشک مزبور که از تناقض گویی خودش حسنه شده بود، میگوید: ممکن است من اشتباه کرده باشم، میشود جسد را سیرون آورد و دوباره معاینه کرد. از اینها گذشته یکی از رفقای رضای شهید در حالیکه از دکان پدر حمیدی نژاد، حنس میخرد شاهد بوده که یکی از عاملین اصلی به یکی دیگر از عاملین مگفته: "حرمی که نزدی" و آن دیگری پاسخ داده: "به مثل اینک جریان دارد میخوابد"

حالب اینجاست که طباطبایی... کشف پس از وقوع حادثه ناپدید شده و اثری از وی نیست. مرتجعین باید بدانند که خون رضا در درون همسارزی مسجود و خشم وی از وجود هر زنده ای زیبانه میکشد. و سنجان هر آنچه را که ناردمی است، خواهد سوزاند...

پوشش مذهب فاشیستها را حفظ نخواهد کرد زیرا طوفان خشم ستمیدگان، هر مانعی را خواهد شکست... ما با اسمان به شهادت رضا، در پیشگاه خلق مبارز ایران اعلام میکنیم همچون گذشته، به مبارزه خود بر علیه فاشیسم ادامه داده و جز خلق میسار از ایران، هیچ مقام روکنرا... برای رسیدگی به این امر ذیصلاح نمیدانیم. دفتر سیاسی "طرفداران طبقه کارگر" مسجد سلیمان

یالیستی توده های ستمدیده ما توانست صنعت نفت را به رهبری صدق ملی کند و بسیاری از نهاد های دگر تیک و آزادیهای اجتماعی را برقرار نماید و توطئه های ارتجاع و در رأس آن دربار را که از سوی امپریالیستهای انگلیسی حمایت می شدند ، خنثی سازد . صدق برای جلوگیری از توطئه های بیشتر خواستار آن شد که ارتش در زیر نظر و فرمان او قرار گیرد و چون شاه نیز برتست ، استعفا کرد . اینجاست که توده های خلق بمنظور بازگرداندن مجدد قدرت به حکومت ملی صدق بپاد . خاستند و علیه حکومت قوام السلطنه که بجای صدق از سوی شاه بر سر کار آمده بود ، مبارزه خود را آغاز کردند . از ۲۵ تیر ۱۳۳۱ سرکوب مردم مبارز شروع شد ولی در مقابل ، مبارزه بی امان توده ها نیز اوج گرفت . زحمتکشان مبین ما برای حفظ استقلال ایران و حکومت ملی صدق با شعار "یا مرگ یا صدق" به خون درمی غلتیدند . ولی دست از مبارزه خود بر نمی داشتند ، یادشان گرمی باد . سرانجام طیرغ شدت عمل دولت مزدور قوام و تهدیدها و کشتارهای او حکومت ۵ روزه قوام سرنگون شد و در عصر گاه ۳۰ تیر صدق مجد دابرسر کار آمد .

مبارزات خلق در یک مرحله به پیروزی رسید ، اما بدلیل ضعف اساسی که در جنبش وجود داشت دستاورد های این قیام نتوانست حفظ شود و می دانیم که پس از یکسال با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ، امپریالیسم هارتز و وحشیانه تر بازگشت و همه دستاورد های خلق را باز پس گرفت .

همانطور که در این مقاله اشاره کردیم حوادث پس از قیام اخیر نیز رنگهای خطر را بعدا در می آورد : خطر بازگشت امپریالیسم و ارتجاع و خطر از دست رفتن پیروزیهای بدست آمده ، و ... حال ببینیم چه وجه مشترکی بین قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و قیام بهمن ماه ۵۷ وجود دارد و چه درسهایی باید از بزرگداشت آن روز گرفت چرا دستاورد های قیام بهمن ماه با آنهمه جانفشانی و دلیری در معرض خطر قرار گرفته است ، و چرا دستاورد های قیام سی تیر نیز پس از حدود یک سال بر باد رفت ؟ همانطور که قبلا نیز اشاره کردیم ، پاسخ این است که رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی جنبش از بی پیروزی رساندن کامل یک انقلاب ضد امپریالیستی عاجز است و دیر یا زود در دام امپریالیسم می افتد . بحث بر سر نیات خیر این و آن نیست چرا که نیت خیر تعیین کننده نیست . آنچه تعیین کننده است ، ماهیت طبقاتی دست اندر کاران یک قبیله است . اگر رهبری یک مبارزه ضد امپریالیستی در دست طبقه کارگر باشد ، پیگیری آن مبارزه تضمین است و امکان سازش با نهاد های ارتجاعی نفوذالی ، بورژوازی بهیچوجه وجود ندارد . اما چنانکه در جنبش ملی ایران ( زمان دکتر صدق ) دیدیم سازش های رهبری با دربار و نفوذالها و مرتجعین و توهم امکان استفاده از تضاد بین آمریکا و انگلیس وعدم قاطعیت در برکنند ریشه های نفوذ امپریالیسم ( که صرفا با تکیه بر قدرت مسلح و سازمان یافته توده ها و رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است ) موجبات شکست جنبش را فراهم کرد و امروز نیز با نگاهی بر آنچه پس از قیام بهمن ماه گذشت است و تعقق در آن خوبی ایمن خطر ، خطر شکست همین انقلاب ناتمام - که باید پیگیری آن ادامه یابد - بوضوح حس می شود .

اگر نیروهای واقعا دمکرات و در رأس آنها طبقه کارگر در تشکیلات ویژه خود متشکل نشوند و اگر هشیار - انه و پیگیرانه این انقلاب دمکراتیک را تا به آخر ادامه ندهند ، اگر تسلیم توهمات و برخورد با تکنیکسی خرده بورژوازی شده ، دمکراتیسم پیگیری خود را در تئوری و در عمل بیابند و نکنند و اگر تمام تلاش ها را در مبارزه بی امان با امپریالیسم و اعمال داخلی متعزکنندگان و اگر در " وحدت کلمه " باین معنی ، خلی وارد آید ( آنطور که امروز چنین می خواهند ) ، سر نوشت این قیام نیز با همه عظمتش ، با همه خونهای گرانبهای که به پای آن ریخته شده بهتر از قیام ۳۰ تیر نخواهد بود . بهوش باشیم ، مبادا ، نیروهای ضد انقلاب از ضعف ، ناپسامندی وعدم آمادگی لازم زحمتکشان برای مقابله با خطر ، سود جوید و انقلاب ما را به شکست بکشاند . چنین مباد !

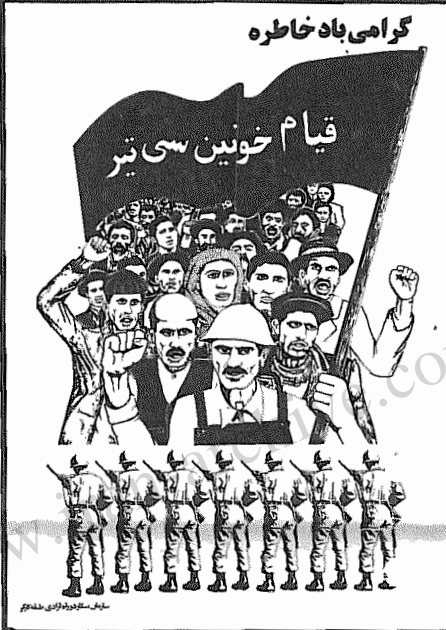
" گرمی باد خاطره شهدای ۳۰ تیر - ۱۳۳۱ "

" زنده باد وحدت رزمند ه خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع "

" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

منافع عمومی شفقت و غو نشان می دهد و در این راه لایحه غو عمومی را به اجرا می گذارد و در عوض شت محکم و سر نیزه خود را به نیروهای رزمند و انقلابی به توده های ستمدیده کارگر و دهقان و به روشنفکران آزادیخواه نشان می دهد . و بهمین خاطر لایحه باصلاح جراگم ضد انقلاب را به تصویب می رساند و از امثال " تهرانی " برای کوبیدن و لجن مال کردن سازمانهای انقلابی و مبارز استفاده می کند . نیروهای فداکار و مبارز بجرم مذهبی نبودن از کار اخراج می شوند یا استخدام نمی گردند ، آنگاه نخست وزیر ، گستاخانه و توهمین آمیز از " قحط الرجال " حرف می زند !

**دست آوردهای قیام ۳۰ تیر چرا از دست رفت ؟ چه شباهتی بین قیامهای ۳۰ تیر و ۲۲ بهمن وجود دارد و چه خطری نتایج قیام بهمن را تهدید میکند ؟ و چرا ؟ امروز پس از قیام بهمن ماه چه شرایطی حاکم است**



۵) ارتش بر همان پایه ارتش شاهنشاهی و یعنون وسیله ای برای سرکوب بازسازی می شود . اساس این ارتش ملی یک توطئه امپریالیستی ( در قالب سازش بورژوازی لیبرال با امپریالیسم و در جوی که رهبری خرده بورژوازی جنبش را هم این توهم احاطه کرده بود که گویا ارتش دست پرورده شاه یک شبه " عابد و زاهد و مسلمان " می شود و تاکنیک زیرگانه عدم دخالت ارتش در سیاست و جانبداری " قره باغی " ها از انقلاب ) حفظ شده است . آترا باز سازی می کنند تا بتوانند وظیفه چماق سرکوب را علیه زحمتکشان و برای خفه کردن فریاد آزادیخواهان و حق طلبانه خلقهای ایران بکار رود .

همافران دلیر آنقدر تحت فشار قرار می گیرند که دست به تحصن می زنند ، رکن ۲ دیواره شروع به کار می کند و اندیشه های ضد خلقی را در ارتش رواج می دهند . برای ارتش همچنان نقش سرکوب خلقهای ایران را قائلند و برای نمونه آموزش های آن کافی است اشاره کنیم که از طریق نمایش فیلم ضد انقلابی ای نظیر " کلاه سبزها " - که جنایات آمریکا در ویتنام را توجیه می کند - می خواهند به ارتش " روحیه " بدهند !

۶) نفوذالها و خانها و مرتجعین امکان جولان یافته اند و مجددا دهقانان و روستائیان را زیر فشار خود قرار داده اند و حتی در مواردی اراضی دهقانان را پس گرفته اند و دولت جانب آنان را می گیرد !

۷) همه انحصار طلبیها ، آزادی کشیها و سانسور ها و عقب گرد ها زیر لوای " وحدت کلمه " ( به مردم تحمیل می شود ، وحدت کلمه ای که جز بمعنای " متکلم و وحده بودن " نیست .

۸) آری ، در چنین شرایطی است که سرنوشت انقلاب عظیم ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی و حق طلبانه خلق های ما در معرض خطر است ، ما خاطره قیام درس آموز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را گرمی می داریم . در آن زمان ، پس از ۱۴ ماه که از روی کار آمدن حکومت ملی صدق ، گذشته است ، ما ...

قابل برگشت ، از بین برود ، و پایگاه های اقتصادی آن که ریشه در کلیه شئون زندگی مردم ما داشته و اقتصاد کشور ما را بصورت زائده ای برای اقتصاد امپریالیسم آمریکا در آورده کاملاً برچیده شود و ... اما بدلیل آنکه رهبری جنبش را طبقه کارگر در دست نداشت ، امپریالیسم با مکاربها و از طریق عمل رنگارنگش که برخی از آنها در مراکز قدرت وجود دارند ، همچنان پایگاه های نفوذ و سلطه خود را حفظ کرده و آماده می شود تا طی پروسه ای مجددا قدرت دلخواهش را باز یابد . این خطر امروز بسیار جدی است . سرمایه داری وابسته ضربه اساسی نخورده است و کوشش در جهت مرمت " خسارتهای " آن بکار می رود ، خیال امپریالیسم آمریکا از لحاظ سستی که دولت و مراکز قدرت در فعالیتهای خود دارد ، نه تنها ناراحت نیست بلکه موجب رضایت او هم می باشد : نظیر سیاست تقویت هر چه بیشتر بورژوازی " همراه با سرکوب کارگران ، سیاست میدان دادن به نفوذالها و سرکوب دهقانان ، سیاست سلب آزادی ها ، سیاست ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک ، سیاست اعمال سانسور و آتش زدن دفاتر روزنامه ها ، کتابخانه ها و کتابها ، سیاست تفرقه اندازی و مردم را به سلمان و کافر تقسیم کردن و بر اساس آن کینه های جهالت آمیز را دامن زدن ، سیاست تهمت زنی به نیروهای انقلابی نظیر آتش زدن خرمنها را که از سوی نفوذالها و عمال رژیم سابق صورت می گیرد به گردن نیروهای انقلابی طرفدار خلق انداختن و با تهمت های بی اساس ترور و قتل و جاسوسی ، سیاست دستگیریهایی دلخواهی انقلابیون و شکنجه آنها ، سیاست درگیر کردن مردم با تضاد های جانبی و مشغولیت درست کردن برای مردم تا دشمن اصلی را که عبارت از امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی است از یاد ببرند . سیاست منحرف کردن سمت مبارزه مردم از امپریالیسم به مبارزه با کمونیسم و هر چه رنگ دمکراتیک و توده ای دارد ، و بالاخره سیاست خارجی راست و ضد انقلابی دولت موقت که پارامی از نمونه های مبارزانه است : لغو نکردن قراردادهای اسارت آور منعقد شده بین ایران و امپریالیستها ، نظیر قرارداد نظامی دو جانبه بین ایران و آمریکا ، و (آر - سی - دی) و هزاران قرارداد دیگر .

عدم افشاء اسرار سیاسی - نظامی ، پلیسی و جاسوسی آمریکا که نه تنها حقوق مسلم خلق های ایران بلکه حقوق خلقهای منطقه و جهان را نیز مورد تهدید قرار می داده است .

تحمیل روابط دوستی با رژیمهای ارتجاعی و دست نشاندن نظیر عمان و کره جنوبی و در مقابل ، برخورد سرد و شرم آور با نیروهای انقلابی منطقه ، و در عوض ایران را جولا نگاه گروه های ساختگی و دست راستی فاشیستی مثل " امل " لبنان کردن .

اینها و همه نمونه دیگر موجبات اطمینان خاطر امپریالیسم را فراهم آورده است . در تائید همین اطمینان خاطر ، آوردن نقل قولی از ویلیام سولیوان سفیر سابق آمریکا در ایران بهنگام ترک ایران جالب توجه است که بنا به گزارش مجله المستقبل - ۲ ژوئن - چاپ پاریس گفته بود : " ما تا آخر سال مسیحی جاری یا اوایل سال آینده به دیاره به ایران بر می گردیم " .

چه اطمینانی برای امپریالیستها از این بهتر که حتی یک برگ از اسناد فجاج و جنایاتشان علیه خلقهای ایران و کشورهای منطقه و انقلاب فلسطین و عمان افشاء نشده و از همان ابتدا یعنی از چند روز پیش از سقوط سلطنت تا امروز کمیته ویژه ای که با عترف همه مسئولین امر زیر نظر کمیته ای انقلاب هم نیست ، حفاظت سفارت آمریکا را بعهده داشته و هنر بازی آن دستگیری مجاهد اسیر سعادت بی بوده است . واقعا اگر مناطق آمریکایی این چنین نگهبانانی داشته باشد ، آمریکا دیگر کوچکتر بین اضطراب خاطری هم نخواهد داشت ، زیرا بقول معروف امانت ها به دستهای " امین " سپرده شده است !

۳) در تکه حاکمه پس از انقلاب ، حقوق خلق های ستمدیده ایران که سالیان متداریستم ضلعاف ( طبقاتی و ملی ) را تحمل کرده اند ، نادیده گرفته هر گونه حق طلبی را ، تجزیه طلبی و تخریب می نامد و از تحریکات نفوذالها و عناصر وابسته به رژیم گذشته پیراهن عثمانی برای سرکوب نیروهای حق طلبی خلق ها درست می کند و حاضر نیست حق خود مختاری خلق ها را در چارچوب تمامیت ارضی ایران برسمیست شناسد . این اقدامات قدرت حاکمه ، ایران را سوی یک جنگ داخلی که بنبغ هیچکس جز امپریالیسم رجوع نیست سوق مید هد .

۴) نسبت به ساواکبها و جنایتکاران و غارتگران

ادامه از صفحه ۲ درباره ۵۵۵۵  
میان توده ها و در جریان شرکت در امر دراز مدت رهایی آنها از جنگال امپریالیسم و ارتجاع و اگر دومی را درست میدانید ، چرا تسلیم منافع روزمره می شوید ؟ ... چنین تاکتیک هایی علیرغم هرگونه موفق گیری قبلی حرمی ( مثلا موضع گیری در اطلاعیه دعوت ) - با وجود آگاهی بر ماهیت صحنه گردانان چنین تظاهراتی ، از جانب نیروهای نظیر مجاهدین خلق عملا در خدمت کسانی قرار میگیرد که از آنها نام بردیم ■

و زحمتکشان و سرروهای واقعی انقلابی را تحریف و جعل می کند ، اخبار مسروان را نیز جعل کرد . بحای اتحادیه دهفنان و دیگر اتحادیه های شرکت کننده در تظاهرات از حزب دمکرات حرف زد ، و خبر را طوری وانمود کرد که گویا جمعیت تظاهراتی بدون علت با پاسدازان درگیر شده اند و در آن درگیری شروع کننده آنها بوده اند ! و دروغ های رادبو و تلویزیون آتقدرد وقیحا نه بودکسه حتی فرمانداریون را نیز بیافا ملده آنرا تکذیب کرد . در جریان سقوط ستاد پاسداران مدارکی به دست انقلابیون افتاده است که بعضی از آنها نشان می دهد . برخی از افراد امور ترور انقلابیون بوده اند که مدرک آن ضمیمه است . بقیه در صفحه ۸

### ادامه از صفحه اول سرمایه داران ... چه تفاهمی بین کارگر که نیروی کارش را میفروشد و کارفرما که از خون کارگر تغذیه می کند می تواند وجود داشته باشد ؟

برآوردن نیازهای مادی و معنوی کارگران و سایر زحمتکشان فقط در صورتی ممکن است که حاصل کار آنها متعلق به خود آنان باشد . امروز شروتمندان یعنی انگلیسی که از حاصل دسترنج زحمتکشان زندگی میکنند در بهترین خانه ها ، در بهترین مناطق شهرها زندگی میکنند و از بهترین نوع اتوموبیلها استفاده میکنند و برای چند روز خوشگذرانی ویلاهای مجللی در کناره دریا دارند و هر سال یک یا چندبار برای خوشگذرانی عازم اروپا و آمریکا میشوند . از بهترین مدارس برای تحصیل فرزندان شان چه در داخل و چه در خارج استفاده میکنند و مسافرت به آمریکا برایشان بمراتب آسانتر از مسافرت یک کارگر به یک شهر نزدیک برای استفاده از چند روز مرخصی است . همه این امکانات در سایه سبزه روزیها و محرومیتهای زحمتکشان و به ویژه طبقه کارگر بدست آمده است ، نصیحت نمودن سرمایه داران کوچکترین ناتیری در عین سبزه ناسببیر است . از چپاول کارگران نداشته و ندارد و نخواهد داشت . چون هدف سرمایه دار چیزی غیر از کسب سود نیست و تا جایی که امکانات موجود اجازه بدهد سودش را بیشتر خواهد کرد و اصلان برای سرمایه دار مهم نیست که کارگر در چه شرایطی بسر میبرد . آیا بجای سه مدرسه میرود یا نه ؟ یا اگر یکی از اعضای خانواده اش لربزش شد از عهده معالجه اش بر می آید یا نه ؟ آیا کلیه ای دارد که در آن زندگی کند ؟ مهم اینست که کارگر سود تولید کند .

### نگاهی به سخنرانی امام خطاب به صاحبان صنایع

نگاهی به سخنرانی امام خطاب به جمعی از صاحبان صنایع که در روزنامه اطلاعات ۱۶ تیر ماه چاپ شده است به وضوح نشان میدهد که خرده بورژوازی که در یک مرحله از مبارزات ضد امپریالیستی و فدرلسنتی خلقهای ما نقش بارزی ایفا میکرد و عامل سازدارینده سازش بورژوازی لیبرال با سلطنت بود و برای همیشه حکومت نتگین سلطنت را به همت جانفشانی توده های خلق به زوالدانی تاریخ برتابد چگونه از ، مبارزه پیگیرانه علیه امپریالیسم و وابستگی داخلی ، همچنین علیه استثمار ناتوان است و چگونه از نفوذ کلام خویش که در رابطه با هنگامی با توده ها در مبارزه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی کسب نموده در راه تاشبند و تضمین منافع بورژوازی بکار میگیرد . این است که با دادن اطمینانهای بیشتر به سرمایه داران آنان را از خطر انفجار توده ها برحذر میدارد و از آنها میخواهد که شرایط را بهتر " درک " کنند . صحت بر سر نفی استثمار نیست - چیزی که در هر جا و هر موقعیتی بارها آن را بر زبان میرا شد - بلکه صحت بر سر این است که : " آقایان صاحب کارخانجات باید یک قدری وضع شان را نسبت به گذشته تغییر بدهند . " و منافزاید اگر " در کارخانه ها و از بین کارگران به واسطه اینکه نه آنها درست رسیدگی نمیشود ، انفجار حاصل شود ... اتوقت نه روحانی میتواند آنرا خاموش و نه کن دیگر و این خطری است برای همه شما و برای همه ما .

واقعا این دلسوزی برای آقایان صاحب کارخانجات که شکمها و جیبهای خود را با خون و رنج کارگران و زحمتکشان ما انباشته اند از کجا مایه میگیرد ؟ چرا انفجار ( یعنی قیام کارگران برای احقاق حقوق خود ) این قدر وحشت آور است ، قیام کارگران و انفجار آنان منافع چه کسانی را تهدید میکند ؟ واقعا چه

ادامه از صفحه اول حوادث ...  
حوادث منطقه ای وارد عمل شود ، که معنای این کارها توحه به حوادث سنجند ، و خوزستان و ... جز رودرروئی با زحمتکشان و حمایت از مرتجعین و فئودالهای مطلق نیست ، امروز با توجه به دستوری که لشکر ارومیه برای حفظ " امنیت منطقه " گرفته ، دگر آشکار شده است . بدین ترتیب چون فرادگمنته ها و پاسداران از نظر دولت قادر به حفظ امنیت ( از نوع حفظ امنیتی که در مرزها از آنها دیدیم ) نیستند ، بناچار ارتش را جلو آورده اند . در اینجا لازم است اشاره ای نیز به نقش رادبو و تلویزیون داشته باشیم ، طبق معمول این دستگاه که حساسترین و مهمترین مسائل مربوط به خلقها ، کارگران

### بدون قطع دستهای سلطه گر امپریالیسم از صنایع نمیتوان از ملتی شدن آنها حرف زد

مناقص مشترکی این دو ، یعنی ماحان کارخانجات و روحانیت را به هم این چنین ربط مدهد که از انفجار کارگران و قیام آنان از خطر مشترک و واحدی حرف زد ه میشود ؟ توصیه آقا به ماحیان کارخانجات این است که یک قدری وضع شان را نسبت به گذشته تغییر دهند . این " یک قدری " چقدر است ؟ آیا کارگران و زحمتکشان ما برای همین " یک قدری " این همه گرسنگی کشیدند ، مبارزه کردند ، اعتصاب های فلج کننده حکومت نظامی را بپا کردند و کشته دادند ؟ آیا توصیه یک قدری تغییر در روابط بین سرمایه داران و کارگران ، نقشی جز در پیچه اطمینان برای جلوگیری از انفجار را ایفا می کند و آیا واقعا این در پیچه اطمینان در خدمت کیست ؟ امام خود در جای دیگری از همین سخنرانی به این سوال جواب میدهند و میگویند : " شما برای حفظ خودتان ، حفظ خانوادهتان ، حفظ حیثیتتان بنشینید و با هم ( یعنی با کارگران ) تفاهم کنید .

باید پرسید واقعا چه تفاهمی بین سرمایه داران و کارگران زمین استعمارگران و استثمار شدگان ، بین آنها که نیروی کارشان را میفروشد تا نان بخور و نمیری بدست آورند از یک سو و آنان که از خون کارگران تغذیه میکنند و فربه میشوند از سوی دیگر ، میتواند وجود داشته باشد ؟ آیا این توصیه تفاهم بین کارگر و میش نیست ؟ امام در ادامه سخنان خود میافزایند : " از این جهت باید ماحیان کارخانه ها توجه داشتند باشند که با کارگران نظیر سابق عمل نکنند ، با آنها بنشینند و دوست باشند . " باید پرسید : آیا برادری و دوستی بین دودشمن - یکی خونخوار و دیگری قربانی او - می تواند وجود داشته باشد ؟ آیا " تبدیلی " که در همین سخنرانی تاکید میشود که مورد خواست اسلام میباشد همین است ؟ آیا واقعا نظریه دوستی و برادری بین کارگر و سرمایه دار بنفع چه کسی است جز بنفع سرمایه داران ؟ این خود نمونه بسیار بارزی از این مسئله است که چگونه رهبری نفوذ کلام و قدرت معنوی خود را در خدمت بورژوازی بکار گرفته است و در واقع بحکم قوانین علمی حاکم بر روابط اجتماعی جز این هم راهی ندارد .

امام در ادامه سخنان خود چنین میگویند : " این چنین نیست که کارگران خیلی بلندپرواز باشند آنها زندگی میخواهند . آقایان کاری نکنند که یک زندگی برای آنها حاصل بشود و بدن وسیله از انفجاری که قابل کنترل نیست جلوگیری شود " ایشان سرمایه داران را نصیحت میکنند که لقمه نانی را به عنوان صدقه بسه کارگران بدهند . همین کافی است زیرا کارگران بلند پرواز نیستند و زندگی کردن برای آنها کافی است . احقاق حق کارگران و خواستار الفنا استثمار شدن بلندپروازی نام میگیرد ، گویا کارگران پارا از گلیم خویش دارند دراز میکنند ، تنها زندگی و زنده بودن برایشان کافی است همین قدر که انفجار حاصل نشود و آنها بازم فردا صبح بتوانند سر کار برگردند و جان بکنند و جیبهای سرمایه داران را که " بطور مشروع " پر میشود ، برتر کنند .

امام سپس میافزایند : " بدین وسیله از انفجاری که قابل کنترل نیست جلوگیری شود . با این تحریکاتی که میبینند اگر انفجاری بشود انفجار بر ضد اسلام است . " باید پرسید منظور از تحریکات چیست . آیا منظور از افشای گری استثمار سرمایه داران ، آگاهی دادن به طبقه کارگر و آشنا کردن آنان به حقوق حقه خود می باشد که از سوی مبارزان وفادار به طبقه کارگر صورت میگیرد ؟ واقعا چه کسانی از نیداری و هشجاری کبار گران و وطن لیب آندان نسبت به حوقشان صدمه میبینند و

این سخنرانی امام به وضوح هرچه تمام تر نشان میدهد که مبارزه خرده بورژوازی کجا لنگ میزند ، کجا ناپیگیری خود را نشان میدهد ، کجا در برابر نیروهای طرفدار حقوق اساسی زحمتکشان و به ویژه طبقه کارگر قرار میگیرد و چگونه در نهایت ، آنجا که سر بزنگاه قرار میگیرد میتواند به دفاع از منافع سرمایه داران برخیزد و با هر آنچه در دست دارد ، از نفوذ فرهنگی و معنوی و دینی ، به حمایت از دشمنان طبقه کارگر برخیزد ■



# مسئله‌ای بنام "جنوب لبنان"

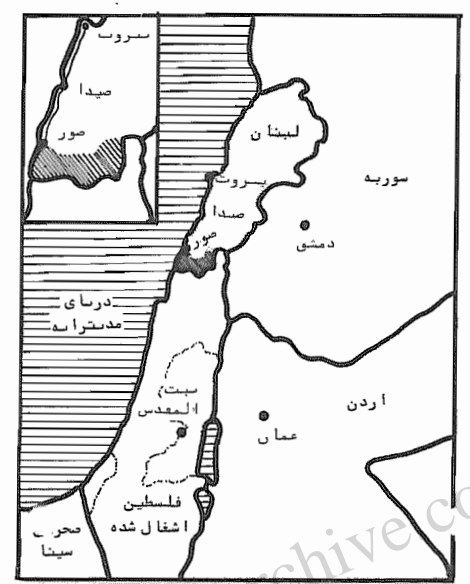
## و بمتابه خنجری است همیشه آخته

### اردوگاه‌های آوارگان فلسطین در لبنان و دیگر کشورهای عربی نمونه‌ای است رسوا کننده

#### از ستم امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

#### و یکی از فاجعه‌های قرن بیستم

دید و این امر آنها را بنحو چشمگیری از دیگر طوایف و اقلیت‌های لبنان عقب‌تر نگاه داشته است. چنین زمینه اجتماعی ناشی از ستم طبقاتی و مذهبی است، که جو نارضائی، شورش و انقلاب را در جنوب لبنان بالا نگه داشته است و بهمین دلیل سازمان‌های رادیکال و انقلابی و چپ‌بیشترین پایگاه خود را بین شیعیان یافته‌اند.



در برابر اسرائیل بر وجود آوردند، پیوند ارگان ک بین این دو پایه مادی و عینی سالیان گذشته را پشت سر دارد.

به ۱۲ سال پیش برگردیم: انقلاب بیون فلسطینی عملیات مسلحانه سازمان یافته خود را در آغاز سال ۱۹۶۵ شروع کردند و طبیعی است که در مرزهای کشورهای عربی بدون اسرائیل رخنه کرده، پس از انجام عملیات به پایگاه‌های خود باز می‌گشتند. این امر موجب می‌شد که اسرائیل کشورهای همجوار را مسؤل این عملیات قلمداد کرده و آنها را تهدید نموده و غالباً مورد حمله قرار دهد. دامنه عملیات انتقامجویانه اسرائیل علیه لبنان به بمباران شمال لبنان و حتی خود بیروت هم کشیده است که یکی از نمونه‌های پر سر و صدای آن بمباران فرودگاه بین‌المللی بیروت در سال ۶۹ بود.

این عکس‌العمل اسرائیل، کشورهای عربی همجوار را که هیچکدام آمادگی جنگ و مقاومت در برابر اسرائیل نبودند (علاوه بر ماهیت ارتجاعی غالب رژیم‌های عربی که اجازه این آمادگی را هم نمی‌داد) به محدود کردن فلسطینی‌ها و به تعقیب و به زندان انداختن آنان وادار می‌نمود. اما جنگ توسعه طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل در ژوئن سال ۱۹۶۷ چنان زمینه انقلابی در سراسر کشور های عربی بویژه کشورهای هم‌مرز با اسرائیل بوجود آورد که آنها را یاری جلوه‌گری از مقاومت فلسطین و مانع از مردم عرب در حمایت از فلسطینی‌ها نبود. کم و بیش مرزهای اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها باز شد و در این میان مرز لبنان از ویژگی خاصی برخوردار بود.

شرایط مساعد جغرافیایی جنوب لبنان برای جنگ چریکی وجود داشته و دهه‌ها نسبتاً پر جمعیت در هر دو سوی مرز، امکان پناه گرفتن چریک‌ها از یک سو و ضربه پذیری دشمن از سوی دیگر را بیشتر می‌کرد. دولت لبنان هم در چنان وضع مستحکمی قرار نداشت که بتواند مانع از این عملیات گردد. این دولت که نماینده فئودالها و بورژوازی وابسته لبنانست، در سالهای ۶۸، ۷۳ و ۷۵ کو-شید مقاومت فلسطین را سرکوب کند که هر بار با شکست مواجه شد. رویه‌پررفته وضع انقلابی و امکان فعالیت طیف اسرائیل با ابعاد توده‌ای و سیاست‌دین لبنان از اجزاهای دیگر بیشتر فراهم بود. این است که از سال ۶۷ به بعد جنوب لبنان پایگاه فعال انقلاب فلسطین و بمتابه خنجری همیشه آخته در پهلوی اسرائیل عمل کرده است.

بیش از ده سال است که در اخبار مربوط به درگیری بین خلق عرب و یزید پرستان تجاوزگر صهیونیست، نام جنوب لبنان بر سر زبان‌هاست. بیش از ده سال است که این منطقه حاصلخیز و حساس خاورمیانه عربی در زیر تهاجم وحشیانه نیروهای اسرائیلی قرار دارد. بیش از ده سال است که جنوب لبنان بمتابه پایگاه فعال عملیات رژیم صهیونیستی است. جنگهای سده، جنگهای سنگین چند روزه همراه با بمبارانهای شدید را بخود دیده و به تعبیر رهبران انقلاب فلسطین، جنگ پنجم اعراب و اسرائیل در آن بوقوع پیوسته است، بیش از ده سال است که زحمتکشان لبنانی تاوان همکاری و همبستگی خود با انقلاب و خلق فلسطین را می‌پردازند، خانه‌ها و مزارعشان ویرانه می‌شود و می‌سوزند و طایفه مقاومت‌های اعجاب‌انگیز، چه بسا مجبور به ترک خانه شده، آواره مناطق دیگر گشته‌اند. بطور خلاصه امروز جنوب لبنان، چه برای امپریالیسم و اسرائیل و چه برای ارتجاعی و چه برای انقلاب فلسطین نقش کلیدی و حیاتی دارد. در یک نگاه کوتاه ببینیم اهمیت موضوع از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

دولت تجاوزگر و غاصب اسرائیل از آغاز پیدایش خود (ماه مه ۱۹۴۸) با لبنان (جنوب لبنان) هم مرز است در همان سال بین دولت لبنان و اسرائیل موافقتنامه‌ای امضا شد که بر اساس آن در مرز و کشور باید آرامش (عدم تنش) برقرار باشد. چنین قراردادی با دیگر کشورهای عربی هم مرز با اسرائیل نیز بسته شد. با مصر، با سوریه و با اردن (۱).

پس از سال ۱۹۴۸ تحولاتی در رژیم‌های کشورهای عربی بوقوع پیوست. در سال ۱۹۵۲ رژیم سلطنتی و دست نشانده ملک فاروق در مصر سرنگون شد و افسران آزادی خواه با گرایش ناسیونالیستی و ضد صهیونیستی رادیکال برهبری ناصر در رأس جمهوری مصر قرار گرفتند. در سوریه کودتاها ی نظامی متعدد و غالباً با گرایش‌های رادیکال بوقوع پیوست، در اردن با وجود آنکه ترکیب نظام سلطنتی دست نخورد ولی دولتی با گرایش ملی برهبری سلیمان نایلسی قدرت را چندین سال بدست داشت و در لبنان هم طایفه مبارزات حاد ملی و طبقاتی و طایفه گری که برجسته ترین آنها قیام همه جانبه مردم در سال ۱۹۵۸ طیف حکومت آمریکایی کابینل مشغول بود، حکومت‌های متعددی آمدند و رفتند، اما طایفه این تحولات در آرامش

مرزهای این کشورها با اسرائیل تغییری بوجود نیامد. سیل آوارگان فلسطینی بدون این مرزها با شدتی کم یا بیش ادامه داشت و در این میان بورژوازی مالی و تجاری تازه نفس لبنان که با فقو الیسم و نیز با سرمایه‌های امپریالیستی پیوندی نزدیک داشت، نیروی کار ارزان آوارگان فلسطینی را حریصانه می‌بلعید و بر فتره‌های خود می‌افزود. بدین ترتیب بود که در همه این کشورها بویژه اردن، سوریه و لبنان اردوگاه‌های وسیع آوارگان فلسطینی بوجود آمد که آنها را نمونه‌ای رسوا کننده از ستم امپریالیسم و صهیونیسم در واقع یکی از فاجعه‌های قرن بیستم می‌توان به حساب آورد. سیل مستعبدگان و زحمتکشانی که غالباً یک یا چند عزیز خود را از دست داده پس از روزها و شبها فرار از راه دریا و یا خشکی خود را به ساحلی یا مرزی باصلاح امن رسانیده‌اند و تنها جان خسته و گرسنه و برهنه‌خوش را توانسته‌اند، نجات دهند.

این، از وضع فلسطینیهای آواره به لبنان، حالا نگاهی به خود لبنانی‌های جنوب بیاندازیم: فقو الیسم یا همه‌خشگیری خود هنوز هم پدیدار می‌گردد. ستم در آنجا هم طبقاتی است و هم طائفی (مذهبی) و توضیح اینکه جنوب لبنان بویژه دهه‌ها که هم مرز با اسرائیل و شہر تاریخی صور، محل سکونت شیعیان است. در نظام سیاسی لبنان، طایفه (مذهب) نقش اساسی دارد و امتیازات سیاسی اجتماع بر اساس مذهب افراد که طرحی است استعماری و میراث دوران استعمار فرانسه، بین اهالی لبنان تقسیم می‌شود. در این نظام مذهبی بیشتر بین سهم و امتیاز را مسیحیان مارونی در دست دارند (رئیس جمهور و فرمانده ارتش و عده مقامات مالی و دولتی در دست آنان است) پس از مارونی‌ها، مسلمانان سنی هستند و پس از آن شیعیان. این امر بر طایفه‌ها حقیقت است که شیعیان از لحاظ کمی در اقلیت نیستند، اما همیشه بر اساس همان تقسیم استعماری امتیازات اجتماعی و سیاسی در معرض تبعیض فاشی بودماند که جلوه‌های آن سردار بیکاری، عدم وجود خدمات فرهنگی، بهداشتی کافی و... برای شیعیان، (بر اساس همان تقسیم مذهبی) می‌توان

علاوه بر اینها جنوب لبنان از یک موقعیت استراتژیک اقتصادی و نظامی برای اسرائیل برخوردار است. رود "لبنانی" که در جنوب لبنان جریان دارد اگر بدست اسرائیل افتد، ده‌ها کیلومتر از راه دریای مدیترانه را قطع می‌کند. دست‌یابی به آب این رود همیشه جز اهداف اسرائیل بوده و هست علاوه بر آنکه تصرف قسمتهایی از جنوب لبنان که بسیار حاصلخیز است برای اهداف توسعه طلبانه اسرائیلیسم شیرینی است. از لحاظ نظامی نیز جنوب لبنان این اهمیت استراتژیک را دارد که در دامنه کوه هیرون (یا جبل الشیخ) قرار گرفته که از لحاظ حفظ ارتفاعات جولان سوریه بسیار اهمیت دارد.

اسرائیل طی سالهای پس از ۶۷ برای تثبیت پیروزی نظامی خود و وادار کردن خلق عرب به تسلیم در برابر خویش، با بزرگترین مشکلی که روبرو بوده، مشکل علق و انقلاب فلسطین است. انواع فشارهای سیاسی، نظامی اقتصادی، دیپلماتیک، تبلیغاتی و... را برای سرکوب انقلاب فلسطین بکار برده است و البته در این راه از پشتیبانی و همدستی امپریالیسم جهانی بویژه امریکا و بورژوازی وابسته عرب و رژیم‌های خرده بورژوازی متزلزل عرب برخوردار بوده و در این کارزار، جنوب لبنان همواره یکی از داغترین صحنه‌های پیکار بوده است، زیرا همانطور که گفتیم پیوند محکم فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها با همواره این جنبه را داغ نگاه داشته‌است، در صورتیکه جنبه اردن با ضرباتی که در سپتامبر ۱۹۷۰ ارتش ملک حسین بر پیکر مقاومت فلسطین وارد آورد و منجر به از دست رفتن پایگاه‌های فلسطینی‌ها گردید، بسردی گزاید. جنبه سوریه و مصر هم همیشه در کنترل ارتش‌های دو کشور قرار داشت و عملیات انقلابیون فلسطینی، تنها بر اساس اجازه این دولت‌ها و سیاست‌های آنها امکان‌پذیر بود. از آذی عمل مقاومت فلسطین از سال ۷۰ به بعد تنها در لبنان ممکن بوده، آنهم نه به خواست دولت لبنان، بلکه بخاطر وضعی که دولت مزبور داشته و مهتر از آن بخاطر پیوند بین فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها که از لحاظ سیاسی به طور نسبی از دیگر ملت‌های عرب آگاه‌ترند. قدرت جلوه‌گیری از فلسطینی‌ها را نداشته است. راز ادامه فعالیت انقلاب فلسطین در لبنان و شکست ناپذیری آن همین پیوند توده‌ای بوده است.

از سال ۷۵ عامل دیگری در لبنان شروع بکار کرد و سائل جدیدی را که تا کنون ادامه دارد، پدید آورد. این عامل جدید شروع فعالیت نظامی دست راستی‌های لبنان طیف مقاومت فلسطین و نیروهای چپ و مترقی لبنان است. این جنگ داخلی که در مقاله حاضر فرصت پرداختن ختن بدان نیست، منجر به تحولات گوناگونی در لبنان و منطقه گردید. و تحولاتی که بنوع خود شدت آن اوضاع کشور رهای عربی و سیاست‌های متضاد آنان و نیز از سیاست‌های بین المللی تأثیر پذیر است. بطوریکه می‌توان گفت حل مسئله لبنان نه تنها از حل مسئله خاور میانه و آزادی فلسطین و یا بعبارت دیگر از مبارزه مرگ و زندگی بین خلق‌های مستعبد عرب از یک طرف و امپریالیسم جهانی و منافع ابرقدرت‌ها از طرف دیگر جریان دارد جدا نیست، بلکه جزئی از آن است.

جنگ داخلی ۴ ساله لبنان منجر به از هم گسیختگی رژیم و پاره پاره شدن ارتش گردید که گروهی بسعت خلق و گروهی در کنار نیروهای دست راستی قرار گرفتند. قریب یک سال است که بخشی از ارتش که موضعگیری فاشیستی راست دارد، همدست با اسرائیل (و بخصوص پس از حمله اولیه ارتش سوریه به فلسطینی‌ها و لبنانی‌های پیشرو - ۱۹۶۷) که موجب تضعیف مقاومت و لبنانی‌های پیشرو گردید، توانسته است قسمتهایی از جنوب لبنان را به اشغال خود درآورد. هم‌اکنون آن قسمت از مرز اسرائیل که در کنترل اینهاست، بر روی ارتش اسرائیل باز است و این نیروی نظامی ارتجاعی - فاشیستی (به رهبری سرگرد سعد حداد که خود از مسیحیان دست راستی است) با پیشروی خود و تصرف مناطق تازه دست‌اند رکار تقسیم لبنان و ایجاد یک "اسرائیل مسیحی دوم" در خاک لبنان است. همکاری دست راستی‌ها با اسرائیل نه تنها نظامی، بلکه اقتصادی و مالی و... نیز هست. این توطئه بزرگی است که طایفه مانع‌نمایی که در نتیجه مقاومت دلیرانه رزمندگان فلسطینی و لبنانی و پشتیبانان آنها در راه آن بعمل آمده، همچنان وحدت خاک لبنان، موجودیت انقلاب فلسطین در جنوب لبنان و نیز فعالیت نیروهای مترقی در آن کشور تهدید میکند. جنوب لبنان آخرین پایگاه مستحکمی است که برای انقلاب فلسطین باقی مانده، جنوب لبنان گلوگاه مقاومت فلسطین

(۱) این قراردادها با نظارت سازمان ملل متحد بسته شد و اگرچه کشورهای عربی با اسرائیل رابطه سیاسی نداشته‌اند مگر رابطه یکدیگر را خراباً خیانت‌آشکارا ساداتین مصر و اسرائیل بوجود آمد.

# طرح تشکیلاتی کارگران پیکار (م)

در شماره های ۶ و ۷ هفته نامه "پیکار" توضیح دادیم که بیکاری در رژیم سرمایه داری امری ناگزیر است ، و گفتم حاکمیت رژیم سرمایه داری وابسته برمیین ما ، به بیکاری ابعاد بسیار بزرگتر و گسترده تری داده است .

همچنین توضیح دادیم که حل اساسی مساله بیکاری ، فقط در صورتی ممکن منگردد که رژیم سرمایه داری وابسته سرنگون و " جمهوری دمکراتیک خلق " جایگزین آن گردد ، در عین حال که حل قطعی و نهایی مساله بیکاری صرفا در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است . به نقش دولت موقت اشاره کردیم و نشان دادیم که چطور عملا در مقابل درخواستهای اولی توده های خلق و بخصوص طبقه کارگر فرار گرفته و چگونه از مناقصه امپریالیستها و ایادی داخلی شان حمایت می کندو با طرح توطئه " وام بیکاری " به تشکل کارگران بیکار ضربه وارد نموده و از سیرکردن شکم مسلیونها گرسنه سرباز زده است .

در شماره ۷ " پیکار " توضیح دادیم که طرح اصولی برای کارگران ، چیزی جز مطرح کردن " حق بیکاری " نیست که می بایست بعنوان یک شعار محوری طرح شده و حول آن افشاکری و سازماندهی صورت گیرد . کارگران بیکار در درجه اول در مقابل دولت ضد خلقی ای قرار دارند که حق اساسی آنها ( حق بیکاری ) را زیر پا گذاشته و با انواع توطئه ها و حیلها سعی در برهم زدن تشکلهای کارگران بیکار و مایوس کردن و جدا نمودن توده کارگران بیکار از هم پیرو دارد . ما نا در نظر داشتن این مساله مهم و حیاتی ، به طرح تشکیلاتی کارگران بیکار میگردیم .

## قسمت سوم : تشکیلات

کارگران بیکار تهران و اغلب شهرستانها ، تاکنون طرح جامع تشکیلاتی که پاسخگوی نیازهای آنان باشد ، نداشته اند . از چندماه پیش و از زمانیکه کارگران بیکار ، خود را بعنوان یک " مسئله " و " مشکل " به رژیم تحمیل کرده اند ، کوششهایی برای متشکل کردن کارگران بیکار صورت گرفته است ، لیکن هنوز بهسبب در مواردی ، موفقیت چندانی حاصل نشده است . این عدم موفقیت چه حاصل بی تجربگی کارگران پیرو بیکار و چه حاصل عدم اراده راه حل مشخصی از طرف سازمانهای سیاسی بوده باشد ، تاکنون ضربات زیادی بر کارگران بیکار وارد آورده است .

" دولت موقت " هم براساس همین نبودن " تشکیلات " کارگری موفق شده که طرح کذایی " وام بیکاری " را به کارگران تحمیل کرده و از زیر بار مسئولیت سنگین سیر کردن میلیونها انسان گرسنه فرار کنندو همان کند که تا بحال کرده است !

در این مقاله ما کوشش می کنیم طرح عمومی تشکیلاتی کارگران بیکار را تحت این شرایط نشان داده ، پیشینهادات مشخصی ارائه دهیم .

در شماره ۷ هفته نامه " پیکار " ما در مورد " وام بیکاری " و " حق بیکاری " صحبت کردیم . در آنجا نشان دادیم که یکی از هدفهای دولت موقت از طرح " وام بیکاری " چیزی جز جلوگیری از تشکل کارگران بیکار و نابودی تشکلات اولیه آنها نبود . از این نظر می بایست بر روی گرفتن " حق بیکاری " با فشاری شده و طرح " وام بیکاری " دولت و اهداف ضد انقلابی آن وسیع افشا گردد . بعلاوه ، با بدین مسئله حیاتی را هم در نظر داشت که طرح " حق بیکاری " ، بعنوان درخواستی اصولی است که واقعا می تواند کارگران را متشکل سازد و حمایت کل کارگران ، یعنی کارگران شاغل را نیز ، جلب نماید .

## لزوم پیوستگی تشکیلات کارگران بیکار و شاغل

از مهمترین اصولی که در رابطه با تشکیلات کارگران بی کار میبایست مدنظر قرار گیرد ، عبارت از این است که حتی الامکان و تا آنجائی که مقدور است ، تمهیدات تشکیلات کارگران بیکار را جدا از تشکیلات کارگران شاغل ایجاد نکنیم . از آنجائی که کل طبقه کارگر بوسیله سرمایه داران استثمار میشود ، از آنجائی که بیکاری ناشی از ذات و خلعت رژیم سرمایه داری است و از آنجائی که جوب اثرات نام کارگران میخورند ، و مهمتر از همه از آنجائی که ضرورت دارد طبقه کارگر در تشکیلات واحد منگی گرداید ، وشکا ف بین تشکیلات منفی آن موجب شکاف بین کارگران میشود ، لازم است که حتی الامکان تشکیلات کارگران شاغل و بیکار را هم جدا نیا شند ، بلکه کار-

گران شاغل و غیر شاغل سعی نماد بر حسب صنف و یا رشته و کارخانه خود در تشکیلات واحدی جمع شوند . بنا بر این مانع از حرکت خود را بر پیوستگی و یکی شدن تشکیلات کارگران شاغل و بیکار فراموش نکنیم ، لنین در اینباره مینویسد :

" سر بون بیکاران ساروش تمام می کارگران معین شده است . سرگرتس حطردر شرایط رسدسکاری سوخوده آمدن شکافو اختلاف بین کارگران سگار و کارگران ساعل است . بدینجهت در آنجا سیدسکا های سگار را سادحسا ط زیادسکا رسرد . اس نوع سازمانها را ساراسار ما نهای کارگری انقلابی تر ، مصمم تر و پراسری تر سدها ما معبدا ساد مواظب بود که سارخود آوردن سار ما نهای مختلف کارگری ( جدا ارم ) مخصوص در مورد کارگران سگار ، اختلاف و دوستگی بین کارگران ساعل و کارگران سگار سوخود ساید . دوار ه تکرار مکسم ، ساد در حبت وحدت تمام می کارگران ( چه سگار روچمنان ) در سگار ما واحد طبقاتی کونا سواد در صورتیکه سار ما نهای کارگران بیکار سوخود میانه ، نهایت احتیاط را مکسم تا سکا می بین طبقه کارگر بوجود ساید . . . .

( لنین : درباره سندیکی ای طقاتی )  
کارگران بیکار را میتوان به چند دسته یا گروه تقسیم بندی نمود :

- ۱- کارگران بیکار پروژهای ( فصلی )
  - ۲- کارگران بیکار اصناف مختلف ( کارگران رسنور سها ، سنگ بریها ، کوره یزخانه ها و . . . )
  - ۳- کارگران بیکار کارخانه ای
- دروابطه با هر یک از موارد بالا ، تشکیلات کارگران بیکار را مورد بررسی قرار میدهم :

## ۱- کارگران بیکار ( پروژهای ) فصلی

از مهمترین ویژگیهای کارگران پروژهای ، رابطه درونی و محکمی است که میان کارگران بیکار و شاغل پروژهای وجود دارد . یک کارگر پروژهای ، از آنجائی که کاردا شمی دارد ، از آنجائی که هر روز و هر هفته و یا حداکثر هریکی دو سال خود را عویش میکند ، از اینجا بنا به نجا می رود . . . در مجموع ، هم شاغل است و هم بیکار . مدتی شاغل است و مدتی بیکار . از آنجائی که بخت ساختمان زودتر از سایر بخشهای تولیدی و صنعتی تحت تاثیر بحرانهای خراب اقتصادی قرار میگیرد ، خطر بیکاری برای کارگران پروژهای از همه پیشتر است و کارگران پروژهای بیشتر از تمام کارگران با " بیکاری " سروکار دارند ، تا جائی که میتوان گفت " بیکاری " مسئله " روز هر کارگر پروژهای است .

از این نظر ایچا تشکیلات مخصوص کارگران بیکار پروژهای بویژه غلط است . هما نظور که کارگران پروژهای آبا دان ، تبریز و همچنین تهران در عمل تجربه کرده اند ، میتوان و یا بد تشکیلات واحد کارگران پروژهای بوجود آورد .

این تشکیلات واحد عبارتست از اتحادیه سراسری کارگران پروژهای که سندیکا ها و یا کمیته های اصناف مختلف پروژهای در درون آن هستند . از جمله وظایف این اتحادیه سراسری و شعانت آن در مناطق مختلف تامین کار برای کارگران بیکار پروژهای ، بستن قراردادهای دستجمعی با پیمانکاران ، حل مساله بیمه کارگران پروژهای و مبارزه در راه گرفتن " حق بیکاری " و . . . میباشد .

## ۲- کارگران بیکار اصناف مختلف

قسمت مهمی از کارگران بیکار را کارگرانی تشکیل می دهند که در کارگاههای کوچک و بزرگ مشغول کار بوده اند . مثلا حدود ۳ هزار نفر کارگر بیکار رستورانها در تهران وجود دارد . اکثر سندیکا ها و یا اتحادیه های اصناف مختلف بعد از قیام بهمین ماه منحل شده اند و تاکنون نیز کوششی برای تشکیل مجدد آنان صورت نگرفته است .

درباره ایچا تشکیلات این کارگران ، ما معتقدیم که باید کارگران بیکار ، پیشقدم شده ، تشکیلات کارگران صنفی مخصوص بخود را بوجود آورند . واضح است که تشکیلات جدید فقط متعلق به کارگران بیکار رنبوده ، بلکه کل کارگران آن صنف را در خود جمع دارد .

بعنوان مثال کارگران رستورانها را در نظر بگیرید . تعداد زیادی از کارگران رستورانها بیکار شده اند و تعدادی هم شاغل میباشد . از آنجائی که کارگران بیکار رعلی العموم پرشورتر و مصمم ترند ، پیشقدم شده و با دعوت از قبقرقی شاغل صنف خود ، اقدام به ایچا تشکیلات ( سندیکا و یا اتحادیه ) صنف مربوط بخود مینمایند .

بنظر ما هم اکنون زمینه عینی این حرکت ، یعنی وجود مساله مبرم بیکاری ( که علاوه بر کارگران بیکار ، کارگران شاغل را نیز در بر میگیرد ) کاملا وجود دارد . از نظر ذهنی ، از



## حق بیکاری ، هم حق کارگران شاغل است و هم حق کارگران بیکار

یکسویا بیده ارائه طرح تشکیلاتی مشخص و روشنی در این زمینه برداخت و از سوی دیگر پشتیبانی کارگران شاغل را از این طرح تشکیلاتی ، از طریق کار تبلیغی و ترویجی و فعالیت افشاکرانه و تماس مستقیم با آنان جلب نمود .

رفقای کارگر بیکار ، محلی را در نظر میگیرند و از کارگران شاغل صنف خود ، در روز معین دعوت مینمایند که با توجه به لزوم برخورد با مسائل و مشکلات صنفی اجتماعی خود و از جمله برخورد با مسئله بیکاری ، گرد هم آیند . در این فاصله رفقای کارگر بیکار میتوانند با رفقای خود در محل کارشان تماس گرفته ، آنها را نسبت با همبست و لزوم این فعالیت قانع نمایند و در عین حال تذکر دهند که از آنجائی که سندیکا و یا اتحادیه ایچا شده حل مسئله بیکاری را دستور خود قرار داده است ، میتوان ایند بعنوان سندیکی واقعی کارگران تلقی نمود .

لکن در صورتیکه سندیکا و یا اتحادیه آن صنف ، از قبیل موجود باشد ، کارگران بیکار آن صنف بآن مراجعه کرده ، تامین حقوق کارگران بیکار را توضیح میدهند و اگر سندیکا یا اتحادیه تضمین حقوق آنها را پذیرفت ، عوایش میشوند ، و در صورتیکه از این تامین حقوق کارگران بیکار سرباز زد ، طبق تشکیلات واقعی آن صنف نیز خود را هدایت ، در اینصورت کارگران بیکار آن صنف با تشکیل کمیته ای از نمایندگان خود ، اقدام نمایی این سندیکا ( یا اتحادیه ) نموده ، لزوم ایچا تشکیلات جدیدی را به کارگران شاغل آن صنف توضیح میدهند و در موقعیت مناسب تشکیلات واقعی خود را بوجود میآورند . طی این فاصله لازم است کمیته مزبور به کارگران بیکار " پیوسته " اعمال فشار به سندیکا و یا اتحادیه مربوط بخود و همچنین امر مبارزه با " دولت موقت " را از این طریق پیش ببرد ( بعد توضیح خواهیم داد ) .

## ۳- کارگران بیکار کارخانه

قسمت عمده ای از کارگران بیکار کارخانه ای ، کارگرانی هستند که در کارخانه های کوچک و متوسط شاغل بوده اند . به دلیل حاد شدن بحران سیاسی - اقتصادی اخیر ، طی یکسال اخیر این کارخانه ها تعطیل شده اند و با قسمت عمده ای از کارگران کارخانه اخراج کرده اند . کارخانه های بزرگ بدلیل وسعت امکانات مالی خود و کمکی ای خرید دولت موقت نتوانسته اند کماکان مانند سابق بکار خود ادامه دهند .

این کارگران در صورتیکه سندیکا نداشته باشند ، باید پیشقدم شده ، با دعوت از سایر کارگران شاغل آن کارخانه ، سندیکا واقعی کارخانه خود را تشکیل دهند . در این زمینه تجربیاتی نظیر " جین مد " ، " آمل " ، " پلاسترا سور " ، " کام " و . . . وجود دارد . در صورتیکه کارخانه توسط کارفرما تعطیل شده باشد ( نظیر " جین مد " ، " آمل " ، " پلاسترا سور " و . . . ) کارگران ، نماینده ( یا حداقل کمیته ای ) از میان خود انتخاب کرده ، پیشبرد امور را با آنها محول مینمایند .

هنگامیکه تعداد کارگران اخراجی و یا بیکار زیاد نباشد ، مسئله افشای سندیکا کارخانه ای که تا بین حقوق کارگران بیکار را وظیفه خود مینماید ، اهمیت هر چه بیشتری کسب مینماید . کارگران بیکار میتوانند با تشکیل کمیته ای از میان خود ، امراضی را ، تماس گیری با رفقای شاغل خود در آن کارخانه و بالاخره پیشبرد انحلال سندیکا غیر واقعی و انتخابات مجدد برای سندیکا را پیش ببرند .

## لزوم قانون سراسری کارگران بیکار در شرایط کنونی

لیکن این هنوز بهیچوجه تمام کار نیست . ما هنوز تشکیلاتی که بتواند مبارزه کارگران بیکار را با دولت سر-

# درباره ترکیه (۳)

## تحولات سیاسی بعد از سالهای ۵۰

به سالهای بعد از ۱۹۵۰ برمی گردیم :

در اثر سیاستهای خانمان برانداز و ترکیه برپاد ده حکومت حزب دمکرات ( سالهای ۶۰ - ۱۹۵۸ ) بحران عمیق اقتصادی و سیاسی ترکیه را فرا گرفت . این بحران مستقیماً ناشی از حکومت یک دهه حزب دمکرات ترکیه برهبری مندريس بود که بطور کامل ثروت ترکیه را به جیب امپریالیستها سرازیر کرد . شرکت در جنگ کوره ، ورود در پیمانهای نظامی ، سرازیر کردن کالا های امپریالیستی ، گرفتن وامهای کلان با بهره های گزاف و ... سرشکن کردن تورم و تضادهای جهان امپریالیستی بر دوش خلق تحت استثمار ترک ، عامل عمده بروز تضادها و بحران ترکیه بود . بتدریج مبارزات کارگران و دهقانان اوج تازه ای گرفت و زد و خورد های خیابانی بین مبارزان و پلیس و ارتش توسعه یافت .

عدنان مندريس در مقابل اوج گیری مبارزات سیاسی و اقتصادی خلق تحت ستم ، اعلام حکومت نظامی کرد . اما نه تنها در ارتش یکپارچگی و وحدت نبود ، بلکه جناحهای مختلفی در آن وجود داشتند . از جمله جناح طرفدار حزب جمهوریخواه ، که خواستار منافع بیشتری از غارت خلق بود . این تضادها ، انعکاس تضاد های جناح های مختلف امپریالیستی بود .

## کودتای نظامی

این سالها ، مقارن با ریاست جمهوری کنسولی بود و امپریالیسم آمریکا با تز و برنامه های مخصوص بخودش عمل میکرد و در این رابطه کمکش را به ترکیه قطع کرد . ( این ها مقارن با سالهای ۴۲ - ۳۹ خود مانع ایران است و سیاست آمریکا در قبال ترکیه بطور عام در همان سیاستی است که در ایران دنبال می کند ) .

عدم قدرت عدنان مندريس در حل تضادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از یکطرف و سیاست و استراتژی جدید آمریکا در سطح جهانی که سعی می نمود این بار به استثمار خود نقاب دمکرات منشانه ای بپوشاند - تا منافع دراز مدت تری را برای استثمار خود دست و پا کند - از طرف دیگر ، به کودتای نظامی ۲۷ ماهه ۱۹۶۰ منجر گردید .

کودتای نظامی تحت رهبری " جمال گورسل " بوقوع پیوست و عدنان مندريس همراه دو نفر دیگر اعدام شدند . در ترکیب نظامیانی که دست به کودتای زده بودند طبیعتی از رفرمیست ها ( طرفداران حزب جمهوریخواه خلق ) تا فاشیست ها بچشم میخورد . رهبری رفرمیست ها بدست جمال گورسل بود و در بین نظامیان آلپ ارسلان ترکش که هم اکنون رهبر حزب نئوفاشیست " جنبش ناسیونالیست " است نیز حضور داشت . بنابراین بین اینکه بگوئیم این کودتای خارج از طرح و برنامه آمریکا صورت گرفت و یا آمریکا از آن مطلع نبود ، نظر نادرستی است .

حکومت نظامی با چهره لیبرالی اش هدفی که داشت یکی این بود که بحران اقتصادی را از بین ببرد و دوم اینکه بحران سیاسی را که احتمالاً می توانست خطرناکی برای مکتبمزد دولت در بر داشته باشد ، در نقطه خفه بکند .

حکومت نظامی در سال ۱۹۶۱ قانون اساسی جدید ترکیه را در یک همه پرس عمومی تصویب رساند . قانون اساسی جدید نسبت به قانون اساسی قبلی تغییراتی کرده بود . در این اساسنامه تشکیل اجتماعات ، آزادی قلم و بیان اعلام شده بود .

در سال ۶۱ گورسل حکومت را به غیر نظامیان تحویل داد و عصمت اینونو - رهبر حزب جمهوریخواه خلق - به نخست وزیری رسید .

## رشد فعالیت های نیروهای سیاسی

آزادی نیم بندی که قانون اساسی بارمغان آورده بود راه را برای فعالیت نیروهای دمکرات و انقلابی بازتر

مایه داری بیش ببرد ، کل بیکاران را بسیج نماید و راه احقاقی " حق بیکاری " و " حق کار " شدید به عامل فشار مستقیم به دولت و یک نیروی قابل اتکا ، باشد ، ندریم . بدلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری ، کارگران بیکار کارخانه های ، کارگاهی و با حتی بروژه ای ، مستوانند و با بستر دریک " کانون سراسری کارگران بیکار " گردآید . لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل کانون سراسری کارگران بیکار ، کارگران مناطق مختلف ، اقدام با مبارزات کانون منطقه ای خاص خود بنمایند . این کانون منطقه ای " تمام کارگران بیکار آن منطقه در برمی گیرد . رهبری این کانون عبارت می شود از نمایندگان کمیته های مختلف کارگران بیکار قبلا آنها در این نوشته یاد کردیم . در صورتیکه کارگران بروژه ای ، سندیکا و یا اتحادیه خاص خودشان را نداشته اند ، میتوانستند از طریق نمایندگان خود در کانون شرکت کرده ، از این طریق و با استفاده از کمکهای کانون با یکا سندیکا ی خود اقدام نمایند . بنا براین " کانون " در وجهت فعالیت خواهد نمود :

- ۱- پیشبرد امر مبارزه با دولت برای کسب اساسی ترین حقوق کارگران از کمکهای که عبارتست از " حق بیکاری " و " حق کار " .
- ۲- کمک به شکل کارگران سیکار در سندیکا ها و اتحادیه های خود . ( کمک به تشکیل سندیکا ها و اتحادیه های کارگران بروژه ای ، کمک به انشای سندیکا ها و اتحادیه های کارگران کارگاهی و کارخانه ای که واقعی نیستند ، از طریق کمیته کارگران بیکاران واحد ، کمک به تشکیل سندیکاها و اتحادیه های واقعی کارگران کارخانه ای ) .

" کانون " ، تشکیلات دائمی نمیتواند و نایستد . " کانون " در حالیکه امر مبارزه با دولت را پیش میبرد ، همواره بایستی ارتباط منطقی خود را با تشکیلات واقعی کارگران حفظ نماید و در جهت تشکیلات دهی کارگران عضو کانون فعالیت نماید . به این ترتیب کانون از نظر مرکزیت منجم و دارای برنامه ای مشخص است و مبارزه واحدی را پیش میبرد ( طرح برنامه اعضا با اعتراضات ، راهیما شیها و تحمنا ، راهیما ، درخواستهای کارگران بیکار به رژیم و در مجموع پیشبرد و هدایت مبارزات آنها و ... ) لیکن از نظر توده ای عضوان ، بسیار غیر مابست است و بتدریج که کارگران عضو تشکیلات حوزه ای و بار رنده ای خود میشوند ، از عضویت مستقیم کانون خارج شده ، از طریق سندیکا و یا اتحادیه خود در کانون شرکت میورزند . مسلماً هنگامیکه تشکیلات منجمت کارگری در ایران شکل بگیرد ، اتحادیه های سراسری و فدرال سبونها شکل بگیرند ، آنوقت حل مسئله بیکاری کارگران به عهده همین تشکیلات خواهد بود . لیکن در حال حاضر - در شرایط فکدان - این تشکیلات ، نمیتوان و نتواند از سازماندهی کارگران بیکار بربرهز نمود .

" کانون سراسری کارگران بیکار " میتواند تشکیلات مناسبی باشد که مبارزه کل کارگران بیکار ایران را با دولت برای احقاقی حقوق حقه کارگران بپیش برد . واضح است که تشکیل " کانون سراسری " نمیتواند و نتواند بجهت تشکیلات کارگران در تمام مناطق شود . هم اکنون در مناطق مهمی از کشور ، طی مبارزات تیکه صورت گرفته است ، نمایندگان کارگران بیکار مشخص شده و علیرغم اینکه تشکیلات منطقه ای خوبی شکل نگرفته است لیکن نمایندگان مزبور میتوانند با تجمع خود ، با بهای ایجاد " کانون سراسری " را بپیزی کرده و با راهیما ، درخواستهای واقعی کارگران بیکار ( " حق کار " و " حق بیکاری " ) ، به متحد نمودن مبارزات کارگران بیکار در سراسر ایران تحقق بخشد . روشن است که " کانون سراسری " میتواند تشکیلات منطقه ای کمک مهمی رسانده ، به تشکیل کارگران منطقه ای سرعت بیشتری ببخشد .

## تجربه منفی تهران

برای درک اهمیت تشکیلات برای کارگران بیکار ، ما اشاره ای به تجربه منفی کارگران در تهران میکنیم :

کارگران بیکار تهران از ابتدا با انتخاب ۲۵ نماینده ، مبارزات خود را شروع کردند . در ابتدا از صنفها و رشته های گوناگون ، کارگران سیکار در " خانه کارگر " تجمع میکردند و با هدایت مجمع ۲۵ نفری نمایندگان ، مبارزات خود را پیش می بردند . تخمین دروزارت کار ، راهیما شیها می باشد ، تخمین در دادگستری و ... از مبارزات مثبت و روبروی کارگران بیکار تهران بود . لیکن در ادامه این مبارزات و هنگامی که تشکیلات دهی کارگران بیکار صورت نپذیرفت و از طرف دیگر مجمع نمایندگان بدلیل نداشتن انجام کافی و در مواردی سازشکاری و عقب کشیدن بسیاری از نمایندگان و دلایل دیگر نتوانست بطور مستمر و اصولی رهبری این جریان را بعهده بگیرد ، با این ترتیب انجمن مبارزان از دست رفت و زمانی که نمایندگان در بالا به بحثهای طولانی مشغول بودند ، کارگران از طرف آنها پراکنده میشدند ، چرا که تشکیلات واقعی برای شکل و مبارزه آنها وجود نداشت .

ما در شمارهای بعدی " پیگار " این مسائل را ملاحظه فرمایید .

کرد و " حزب کارگر ترکیه " و بعدها " کنفدراسیون سند - یگای های انقلابی کارگران ( DISK ) " بوجود آمدند . هر دوی اینها در مدت کوتاهی از نظر کمی رشد بسیار زیادی کردند و نیروهای زیادی را حول خود متشکل نمودند . حزب کارگر ترکیه شهابت زیادی به سوی حزب توده خود مان در سالهای تأسیس داشت ، حزبی بود رفرمیست ، اصلاح طلب و پارلمنتاریست . این حزب در انتخابات ۱۶ ، نماینده به مجلس فرستاد .

حزب مذکور ، سازمان جوانان خود را بنام فدراسیون کلوییهای فکری ( FKF ) بوجود آورد . سازمان جوانان تا سال ۶۷ پیرو نقطه نظرات حزب رهبری آن بود ، لکن در سال ۶۷ بعلت اتخاذ مواضع انفعالی رهبری در مقابل مبارزات خود بخودی توده ها و نیز پافشاری روی تزار پارلمنتاریستی ، انعکاس مبارزات انقلابی در سطح جهان و ویژه جریان مبارزه آیدئو - لوزیک بین حزب کمونیست چین و حزب کمونیست شوروی در ترکیه ، صف اکثریت توده های جوان FKF و رهبری حزب از هم جدا شد . جوانان راه پارلمنتاریستی را محکوم ساخته و خود معتقد به راه " انقلاب دمکراتیک ملی ( MDD ) " بودند . این جوانان به " MDD " معروف شدند اما تمام آنها که در MDD جای میگرفتند ، دارای وحدت آیدئولوژیک سیاسی نبودند . در حقیقت فراکسیونهای مختلفی بودند که برداشتهای گوناگون از " انقلاب دمکراتیک ملی " داشتند .

در سال ۱۹۶۹ رهبری سازمان جوانان حزب کارگر بدست گروههای طرفدار " انقلاب دمکراتیک ملی " افتاد . رهبری جدید نام FKF را به " جوانان انقلابی " تغییر داد .

این سالها اوج انفراد ریزویی نیستها بود . امید و نیروی نوینی در جنبش کمونیستی بوجود آمده بود و در درون " جوانان انقلابی " معتقد به راه " انقلاب دمکراتیک ملی " ، گروههایی وجود داشتند که بعد ها شکل سازمان یافته تری پیدا کرده و سازمانهای غیر علنی خود را بوجود آوردند . این سازمانها عبارت بودند از ( روشنفکران انقلابی پرولتری ( P.D.R ) ، ( جنبه آزاد بیخش خلق ترکیه ( THKPC ) ) و ( ارتش آزاد بیخش خلق ترکیه ( THKO ) ) .

## جنبش توده های ۱۵ و ۱۶ ژوئن

در پایان دهه ۶۰ ، بحران اقتصادی سیاسی دیگری ترکیه را در خود فروبرد . این بحران که کم کم از سال ۶۷ نضج میگرفت در سال ۷۰ و ۷۱ به اوج خود رسید . فعالیت انقلابی گروهها ، اعتراضات کارگری ، شورشهای دهقانی و تظاهرات خیابانی بحد اعلی رسیده بود . در بعضی مناطق روستایی دهقانان به فتوای حمله کرده و از آنان سلط مالکیتی کردند .

۱۵ و ۱۶ ژوئن سال ۱۹۷۰ حدود ۲۰۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان استانبول دست از کار کشیدند و به خیابانها ریختند . ارتش با تانک بمقابله با تظاهر کنندگان پرداخت و حملات فاشیستی خود را با اعتصاب بیون و تظاهرات کنندگان شروع کرد و جنبش توده های ۱۶ - ۱۵ ژوئن به جنبش خونین عظیمی بدل گردید . دولت دمیرال که در این موقع سرکار بود مصلحت در مقابل اوضاع بحرانی اقتصادی و سیاسی گنج و منسنگ شده بود . فعالیت نیروهای انقلابی در دو مرتبه نقاط ترکیه ، خلق را بحرکت در آورده بود ( این فعالیتها بطور نسبی توسط سازمان " جوانان انقلابی " که طغنی بود سازماندهی میشد . این سازمان ، سازمان نسبی دانشجویی - روشنفکری ، با ماهیتی کاملاً سیاسی و انقلابی بود ) مبارزات عظیم و زمین ۱۶ - ۱۵ استانبول گروههای انقلابی را نیز در گرم کرد .

لیته از سال ۶۷ در درون FKF و بعدها " جوانان انقلابی " بحث برسر شکل و محتوای " انقلاب دمکراتیک ملی " وجود داشت ، عده ای معتقد به راه کودتای برای انجام ، انقلاب دمکراتیک بودند که در اثر مبارزه آیدئولوژیک یک نیروهای انقلابی مارکسیست ، بزودی عقب زده شدند عده ای مشی چریکی را پیش می کشیدند که طرفدار زیادی داشت ، عده ای نیز در این میان راه حل کار سیاسی - تشکیلاتی را مطرح میکردند و بین این سه راه حل مبارزه آیدئولوژیک جریان داشت .





# در کپه کیلویه و بویر احمد چه میگذرد؟

## زمین های حاصلخیز در دست خانها مانده است خانها تا چند روز قبل از قیام تظاهراتی را سرکوب کردند اکنون خانها در راس کمیته ها قرار گرفته اند

روز سه ام خرداد روزنامه اطلاعات خبری تحت عنوان استاندار ، یاسوج را ترک کرد ، منتشر نمود که قسمتی از آن چنین است :

"... افراد کمته این شهر سه نعره را کارکنان استانداری را بدون محوز قانونی دسگر و آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند که گفته میشود استاندار به عنوان اعتراض مدله خدمت خود را ترک کرده است. بدینا عریضه استاندار از یاسوج کلیه ادارات ، مغارها و بازار بصورت تعطیل درآمد و مردم یاسوج در سر در محل مسجد ولی عصر این شهر منحصی و حواسنار نارگنستاندار و احلال کمته شد "

روزنامه آیندگان نیز در روز شنبه ۲ تیردرخبری تحت عنوان "کمیته انقلاب یاسوج منحل شد" ، چنین نوشت :  
" بدینال ۳ روز تعطیل معازنه ها و ادارات یاسوج و اعتراض یکبارجه مردم این شهر ساسی از سرخورد استاسادار کپگیلویه و بویر احمد با ماموران کمیته که به ترک استاندار از یاسوج انحامید ، روز گذشته به دسسال احلال کمته ، این شهر جیره عاده ، خود را باز- بافتو کارکنان اداره ها سز از امروز به سر کارهای خود باز خواهند گشت "

برای شناخت ما هیئت جریانات فوق ، منافع طبقاتی و انگیزه محرک مواکز قدرتی که هریک دارودستهای برای خود تشکیل داده و رقابتها بنشان گاه به خشونت میگراید ، بررسی زمینه های مادی پیدایش وتاریخچه آنها ضروری به نظر میرسد . از همین رو ما هم بررسی جریانات یاسوج را استدل در متنی از جنبش دمکراتیک و فد امیرالیستی ایران و تغییر و تحولات حاصله و در رابطه با مسیری که جنبش انقلابی ایران در آن جاری است ، شروع میکنیم ، چرا که رخدادهای این منطقه ، صرفنظر از خود ویژگی-

ج - محمد عثمانیور ( محمد خیاط ) خودش به یک یکاتپا سفارش کرده بود که کارت هایشان را به دست من بدهند تا من تحویل محمد خیاط بدهم ولی منس تحویلی ندادم .

س- آبا شما اسلحه و پول ندادند و اگر ندادند چرا؟  
ج - خیر به من پول و اسلحه ندادند و من فکر میکنم پول و اسلحه مرا به قیاده موقت داده باشد .

س- محمد عثمان یور با چه کسانی دیگر رابطه داشتند؟  
ج - من محمد خیاط را فقط با رحمن بیک جبدری رئیس اداره آب رابطه نزدیک و صمیمی و عملی داشتم من خود یک بار دز دکان محمد خیاط ناظر گفتگوی آنها بوده ام که بغاظر صحبتشان مرا از دکان بیرون کردند .

س- آیا شما از این عمل با توجه به اینکه دریافته اید سازمان مجاهدین مریوان بر ضد ایران و به نفع قیاده موقت و تیمسار پالیزبان کار میکرده و اصولا نقش سازمان مجاهدین مریوان و حومه و مکتب قرآن و پاسداران انقلاب اسلامی در این منطقه آشوب به کردن بر ضد ایران بوده و میخواستند در منطقه کردستان اوضاع را بر هم بزنند احساس بیسیمانسی نمیکند .

ج - من چنانچه گفتم از اصل این ماجرا خبر نداشتم و حالا که برام روشن شده و از آنان نفرت دارم و می خواهم که به آغوش ملتم بازگردم امیدوارم که مرا بخشوده و از اشتباهاتم صرفنظر کنید و قبول میدهم به محض کسب خبر جدیدی از این دارودسته منحوس شما را در جریان بگذارم و همچنین نظر بر اینکه خود سواد نداشتم زحمت جواب دادن را به سواالات به یکی از دوستانم محول کردم و خود بسا اثر انگشت گفته هایم را تأیید میکنم .

این گزارش را طرفداران سازمان شیبساز فرستاده اند

ها س از آن توانایی که سراسر ایران را در توردید ، جدا نیست .

شروه های انقلابی در مورد شرایط کلی بعد از قیام بهمین و کوششهای پنهان و آشکاری که. جنبش انقلابی ایران را از جهت اصلی ، مبارزه ضد امیرالیستی ، منحرف مسازد و همچنین نفوذ جدیدی که خانها (وگانه ها) حاشنها می که دولت از آنها میکند. بدست آورده اند ، هتدار داده اند . و اکنون دیگر هیچ شکی نیست که شورسگان نه میتوانند و نه میخواهند که با اتکا به توده ها دست امیرالیسم را کوتاه ساخته و بقایای بنیادهای ما. قبل سرمایه داری را نابود نمایند . بهمین دلیل است که مبینیم که سرمایه داران و زمیندارانی که پس از سرنگونی سلطنت و قیام حماسه آفرین بهمین ماه فرار کرده و هریک به سوراخی خریدند ، اکنون با آرا مشاظر وارد میدان شده و حتی ادعای تسکه زمینهای که به زعم آنان " طاغوت " به ناحق از آنها گرفته و به دهقانان داده است ، میکنند و همیمن منظور گروههای مسلح برای خود تشکیل میدهند . چنین است که جاها و فتودالهای سابق در کردستان ، زمین - داران در ترکمن صحرا ، صدخان ها در قزوین و دشته دهقانان زحمتکش یورش میبرند و به قتل و غارت آنها میپردازند . در چنین شرایطی در فارس و کپگیلویه و بویر احمد هم که مقر خان ها و " آغاها " میباشد ، روستائیان زحمتکش از دیگر برادران خود در سایر نقاط ایران وضع بهتری ندارند . در اینجا هم پیمانکاران رژیم قبلی و خانها و حاجی های ثروتمند با قسزار گرفتن در راس کمیته ها و ارگانهای دیگر هرچه می - خواهند ، انجام میدهند . اینان حتی به عنوان " نماینده " توده های مردم با آقای خمینی و دولت به مذاکره می نشینند .

منطقه کپگیلویه و بویر احمد در عین حال شرایط خاصی نیز دارد که بدون توجه به آن شرایط ، تصویر نی از حریانات این منطقه بدست نخواهد آمد .

### نگاهی به اوضاع منطقه

این منطقه با وسعتی معادل ۱۴۲۶۱ کیلومتر مربع و معیتی قریب به ۳۰۰ هزار نفر از جنوب به استان ساحلی ، از شمال به چهارمحال و اصفهان ، از غرب به خوزستان و از شرق به استان فارس محدود میشود . منطقه بطور عمده کوهستانی بوده و هنوز روابط فرهنگی شیرهای در آنجا حکمیت دارد . بجز گساران که نه در رابطه با نیازهای منطقه ، بلکه به علت وجود منابع نفت وضع خاصی دارد ، در دیگر نقاط میتوان این واقعیت را مشاهده کرد و هر " آغا " با کدخدایی برای خودش دارودستای دارد . جمعیت استان از ۶ ایل بزرگ : بویر احمدی ، بهمئی ، چرامی ، دشمن زیاری ، طیبی تشکیل شده است که در یک تقسیم بندی کلی ستر عبارت میشوند از : بویر احمدی شامل طوائف آقایی ، تا مرادی ، دست موری ، سادات ، قانده کیوی ، نگین تاجی و طوائف مستقل . و کپگیلویه مرکب از طوائف با سویی ، بهمئی ، چرامی - دشمن زیاری ، طیبی .

کل منطقه دارای سه کانون شهری : دوکنستان ، ساوج ( مرکز استان ) و دهدشت میباشد که حدود ۱۰ در صد کل جمعیت استان را در برمیگیرد . یاسوج و دهدشت که بر خلاف دوگنبدان در رابطه با مقتضیات سیاسی و اداری منطقه به وجود آمده اند ، عمدتاً زیر

نفوذ فتودالهای سابق و منتقدین محلی میباشد . فتودالهای منطقه کپگیلویه و بویر احمد در معاضل رفرم ارضی شاه سرخس تانه مقاومت نموده و مسلحانه در برابر اصلاحات ارضی ایستادگی کرده اند لکن با توجه به نفرت عظیم توده ها از آنان ، در مقابل رژیم شکست خورده و بعضی معدوم و عده ای نیز با سازش با رژیم دوباره بر جان و مال مردم حاکم شده اند . توده های مردم که ابتدا رژیم شاه را در مقابل فتودالها حامی خود می پنداشتند و مدتها قریب خورده بودند در - یافتند که همان خانها ، اس بار در لباس پیمانکار و مدرس رشکهای تعاونی و رئیس انجمن و غیره حاکم بر سرنوشتان شده و با اینکه رژیم خود بجای فتودالها در مقابلشان فرار گرفته است .

مثلا در بویر احمد و ممسنی که خانها دست به مقاومت زده بودند پس از شکست ، زمینهاشان را به فرزندان شان رسید و با اینکه بیس سران طوائف تقسیم شد و قشر کوچکی از خرده مالکین به وجود آمد . ولی در منطقه کپگیلویه بیشتر خانها با کنار آمدن با رژیم موقعیت شان دست نخورده باقی ماند . چنانکه در منطقه دوگنبدان و باشت و اطراف آن تمام زمینهای قابل کشت و حاصلخیز در دست منصورخان باشتی قاتل و جانیسی معروف و ظفر تاجگردون زمیندار بزرگ هم باقی مانده و هنوز مانده است .

رژیم نیز از طریق بسط و توسعه اداراتی چون سازمان عمران کپگیلویه و بویر احمد سعی در بوحسود آوردن یک پایگاه ، قشر بوروکرات ، و همچنین در بین خانها و کدخداهای محلی نمود و از طریق احالسه پیمانکارهای مختلف به آنها ، توانست از آنها ستوان چماقی برای سرکوب زحمتکشان محلی استفاده نماید . و بدین ترتیب با دادن یک سری امتیازات آنها را بخود وابسته نمود . چنانکه حتی تا چند ماه قبل از قیام ، همین رؤسا و خوانشینی که امروزه سرپرستی کمیته ها و انجمن ها را در دست دارند ، مسلحانه به مقابله با توده های تظاهر کننده می رفتند . از جمله این مزدوران که تا آخرین روز به پشتیبانی شاه تظاهرات راه می انداختند ، آغا نیژن رئیس طایفه آقا شسی و اردشیر نگین تاجی از طایفه نگین تاجی بودند که بسا همدستی مزدورانی چون هدایت شجاعی و ملا رشید و ... در سرکوبی جنبش هیچ کوتاهی نمی کردند .

حال بس از قیام نکوهشند بهمین ، همین رؤسا و آغاها دوباره همه چیز را به دست گرفته و با رقابتهای جنون آمیز با یکدیگر به فد انقلاب خدمت میکنند .

### اعاده حیثیت

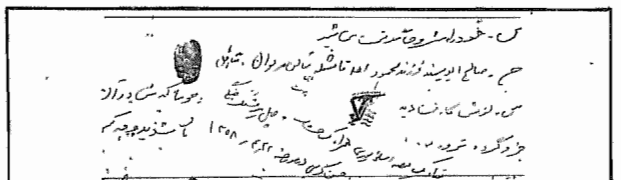
### از فتودالهای خونخوار سابق

مسئله ای که کاملا در رابطه است با احیای قدرت خانها ، اعاده حیثیت از فتودال خونخوار " عبدالسه خان فرغام بور " است که سالها پیش توسط نوکرش به قتل رسیده بود . البته وقتی که مبینیم از مزدوران و وطن فروشان مرتجعی چون شیخ فضل الله نوری و آیت الله کاشانی اعاده حیثیت میشود ، این چندان تعجب آور نیست . بهرحال فرزندان این فتودال خونخوار و به ویژه " شهباز خان فرغام بور " و دیگر فتودالهای محلی ( آغا بیژن و حداد و ... ) دست در دست هم با تشریفات خاص استخوانهای " عبدالله خان " معدوم را از خاک بدر آورده و طی مراسمی به این جانی خون - خوار لقب مجاهد میدهند . ضمنا خسرو قشقایی ( اسن شخص از نوکران طبقه بگوش انگلیس بوده و جای زخمهای شلاقش هنوز بر پشت دهقانان کهنسال مانده است و اکنون با تفتنجی های زیادی که دارد از نفوذ بسیاری در کمیته های نورآباد و ممسنی بر خوردار است ) نیز به این مراسم ننگین دعوت شده بود .

اکنون شهباز خان و دیگر فتودالها همچون ناصرخان و ... در محلی بیلابتی به اسم سرچنار چادر زده و به زور از مشایر و روستائیان گوسفند گرفته و میخواهند ضمن دعوت از " خسروخان " جشنی برپا کنند . و به مناسبت پیروزیشان در روستائیان و عشایر ، شادمانی کنند . چرا که طبق شواهد موجود اخیرا وقتی کتبه خانها به خدمت امام رسیده و گفته اند : " ما اگر اول از شاه پشتیبانی میکردیم ، غلط کردیم . امروز بقدرت امام زمان ایمان آورده ایم آچاره دهنده ما منطقه را اداره و کنترل نمائیم " و امام هم آنها را بخشیده و اجازه داده است .

در چنین شرایطی است که در گبریه های یاسوج بیس کانونهای خانها و مرتجعین به وجود آمده است . و اما این کانونها چگونه اند :

( بقیه گزارش را در شماره بعد مطالعه کنید )



# آقایان! دهقانان دشمنان خود را خوب میشناسند آتش زدن خرمنها فتودالها و ارتجاع است

# گزارشی از مبارزه کارگران بیکار تبریز و شکنجه شدن آنها بدست

## کمیته آزادی همیشه وجود دارد

### تکاتی دیگر در مورد شکنجه کارگران

ما مورتی آنکه بجان کارگران افغانه بود، حدود ۱۵۰ نفر بودند. یعنی دربارا سرهکار ۴ نفر. آنها از جیب کارگری یک شربتا عنوان "سدارشو" سدا کردند. بعدهمه کارگران را میزدند و میگفتند: "سدارشو"، شکنجه گران تازه کار (شادهم کهنه کار) فریاد میزدند: "همان ساواک اربعهده شمرتا مد. حال اقدرب دست ماس و هرچه دلماست حواست میکنم!"

ما خود جوانی یکی از کارگران رادرای استخرماشت و لکد مورد ضرب و مرار داد.

ما کارگران را کتک میزدند و میپرسیدند: "ما سده مان کبست؟ و کار ب عضویت راحه کمی شما داده اس؟ و از آنها اسوا درس میسر شدند.

ما هنگام شکنجه کارگران، ما موری میگفت: "ما شناساسد من ۲۵ سال است فدکومونیست هستم و... و اگر خواستید، من فلانجا هستم، شما شد مرا بکشید." که کارگر جوانی با تسخیر درساخ او گفت: "ما نه عاجز ترا ز خودم دسلبلند نمکنم"

ما بشو، ساواک و مران و معروفوسال، پس از مدتی کتک و شکنجه دراستخر، کارگران را به اطافهای تکی برده و پس از گرفتن کمربند و جوراب آنها را کتک زدند.

پس از شکنجه و کتک کاری از کارگران میسر شدند: "عقدسه سا حسبت"، بعدای از آنها پاسبان میدادند: "شما مربوط نیست"

### رفقای کارگران دستگیر شده در بیرون چه کردند؟

دندال ادامه: محض کارگران دراستاننداری و فشار آنها برای آزادی رفقا نشان، حدود ساعت ۱۰/۵ شب، بعداز حدود ۵ ساعت شکنجه و ۲۳ نفر از کارگران را آزاد می کردند. این ۲۳ نفر خواستار آزادی دو نفر بقیه میشوند. ولی چون نشانه ای نمیشدند تصمیم میگیرند که آزاد شده و با کارگران متخصص آزادی هم برای آزادی بقیه تلاش کنند. یکی از کارگران آزادی می شود و یکی دیگر که دندال باقی ماند. همچنین در زندان است. کارگران متخصص وقتی کارگران دستگیر شده با سر و مو رهنمایی زخمی و حشمان سیاه شده با آنها میبوندند، آنها را در آغوش میگیرند، یکی از کارگران میگوید: "ما سده مان را زده اند، ما بیادخون بدهیم، شما بنده ها میگردید شکنجه مهم نیست، محقمان خواهیم رسید، چشم بیکار از کارگران خون آورده بود... کارگران همچنان به محض ادامه داده و خواستار آزادی زندانی خود میشوند، از حدود ساعت ۲ نیمه شب، تیراندازی با گلوله و وحشت شروع میشود. ما محض استانداری نمی مانده اند، از صبح در شهر شاع مشهود که برای سزاگندن کردن کارگران، محافق بدسجج آوری می کنند که نگهتای تا عصر حدود ۱۲۰ نفر محرم کرده بودند تا عصر مدام به کارگران قول آزادی دوست زندانشان را میدهند که عصب میگیرند و از آزاد نخواهد کرد، کارگران خردار میشوند که چماق بدستیا، سپهره کمیندهای سزای حمله با آنها ادامه شده اند، و چون احتمال کشتار میدادند محض خود را میبکشند. کمی بعد از بیرون آمدن کارگران، کسبه چها با دوکا مسون ارتشی محمل شخص میریزند.



آری رفقای کارگر، و تمام کسانیکه برای راهی طبقه کارگران چنگ بر ما پیدا ری تلاش میکنید! سا کارگراسی که تنها برای سیر کردن شکم زن و بچه باقیان و رسیدن با آزادی تلاش میکنید، اینچنین برخورد کردند. لاسین رهبر بزرگ کارگران با آنها آموخته است که "اعتصاب مدرسه، جنگ است". در اینجا نیز کارگران وقتی با مسئولین امور ورود رو شدند، به روشنی دیدند که آنها حافظ منافع سرما به داران هستند و نه هیچ چیز دیگر.

صد موری که سجان کارگران افتاده بودند، چه سا اکثریت یا حداقل عده ای از آنها، جزو طبقه محروم بودند. ولی سرما به داری و افکار روادینده های طبقات استعمارگر آنچنان قلب و روح آسان را مسموم کرده که نه فقط نمیوانند به کارگرو زحمتکش که از خوداوست محبت و عشق داشته باشد، بلکه نسبت سوی کسبه روز هم هست. آری سرما به داری این چنین سیرم است. میتواند زحمتکش را در مقابل زحمتکش قرار دهد.

کارگران نارادگر به چشم خود عریان و آنتکار دندند که این آما بیان و رهبران آنها، هزار و بلکه میلیونها سار هم که از "عدالت اسلام" و... حرف میزنند، در دنیا به محبور هستند که در آنجا که پای عقل حشمان میآید، روبروش را کتار سزند و چهره واقعی خود را نشان دهنده ان تقصیر آنها نیست این قانون جامعه سرما به داری است و این قانون ما سندن کوه عظیمی محکم و با برحاست و حرف زدن اردعدالت و برابری در چنین جا معای هما تقدرخنده دار است که کسی ادا نکند آن کوه عظیم را میتواند ندیک تنه و با دست خالی از جا برکنند

یاد می آورد... و اینک شرح این جریان:

کارگران کانون بیکار و اخراجی و کارگران اتحادیه پروژهای تبریز و حومه نخست خواسته های "کوتاه مدت" زیر را طی اعلامیه ای به اطلاع همه می رساند:

- ۱- ایجاد و تامین کار با توجه با فصل تابستان (از طریق خانه سازی، راه سازی و... ) و بـ سراه انداختن کارخانه های که صاحبان آن فراری یا از گشایش کارخانه خود داری می کنند...
- ۲- ایجاد آموزشگاه حرفه ای برای بالا بردن سطح آموزش و تخصص حرفه ای...
- ۳- تعیین آمانگاه قانونی برای کانون و اتحادیه، زیرا که محل فعلی مخروبه بوده و از طرف دیگر صاحب آن (آموزش و پرورش) خواستار تخلیه آن شده است.

پس از انتشار این اعلامیه توضیحی بخاطر عدم توجه مقامات مسئول کارگران در تاریخ ۵۸/۴/۲۴ دست به تحض میزنند که شرح آنرا از زبان خود کارگران بشنوید:

### به پیشگاه کارگران و زحمتکشان و ملت مبارز ایران

شان را می زدند. البته بعضی از کارگران اعتراض کرده و نمی گذاشتند که در این صورت در روی زمین دراز کش می کردند و روی کارگران نشسته به زور یک طرف سیلها... یشر را می زدند. یکمیک هر کدام بنویت چیزی را بهانه کرده مثلا اینکه چرا ساعت ۳۰۰ تو منی داری. کتکش... های کارگر بیکار از مال من نوتر است. کارگر بیکار ۱۵۰ تومان پول توی جیبش است... ، کتک می زدند که چند نفر از کارگران چشمش باد کرده و سیاه شده است و یکی دیگر، دندانش شکسته است. خلاصه در بدن همه کارگر... ان آثار شکنجه پیدا است. البته بعضی مواقع چند نفری به روی یک کارگر حمله کرده و می زدند یکی از کارگران می گفت گلولی مرا با دو دست گرفته بودند و می خواستند خفه کنند که به زور توانستیم با صدای خفیف اعتراض کرده و بگویم خفه شد م ولم کنید. یکی دیگر از کارگران می گفت ما مور کتیده به من می گفت تو که: "بیکار و بی پول باشی. تو که آنقدر پسر خوشگل هستسی می تانی پول زیاد در بیآوری. خلاصه انواع واقسام حرمهای ریکی که کارگر به قیمت جانش هم شده حاضر نیست بشنود... می گفتند و توهین ما... میکردند ولی با تمام اینها کارگران مبارز خم به ابرو نیارده و کتک... و شکنجه ها را تحمل کردند تا توطئه هایی که به طبع کارگران ریخته شده بود، خنثی کرده به خواسته های بحقشان برسند.

خلاصه بعد از ۴/۵ ساعت شکنجه و فحش و کتک کاری در ساعت ۱۰ شب در اثر پافشاری کارگران که در استانداری بودند و خواستار آزادی دوستان کارگر خود بودند آزاد گردیدند البته قابل تذکر است که یکی از کارگرانی که دندانش شکسته و شکنجه زیاد دیده در زندان به اتهام واهی بازداشت است.

بعد از بازگشت کارگران دستگیر شده به جمع کارگر... ان متحصن، کارگران وقتی اثر شکنجه ها را در صورت و جاهای دیگر دوستان کارگر خود دیدند با اعتراض می گفتند چرا باید دوستان کارگر ما را شکنجه کنند ما کارگران مگر چه می خواهیم باید آنها را شکنجه دادند به محاکمه کشیده شوند ولی چه مقامی به این حرفها گوش می داند اصلا... مثل اینکه این کارگران افراد این مرز و بوم نیستند. خلاصه نانی که از ظهر مانده بود نفری یک لقمه بعنوان شام خورده و می خواستیم که بخوابیم در اثر صدای گلوله هایی که از نزدیک به گوش می رسید به حالت دراز کشی تا صبح بیدار ماندیم ساعت ۵/۵ صبح بلند شدیم تا ساعت ۸ منتظر جواب استنادار بودیم ولی استنادار به گفته (مقامات) استنادار به معنای رفتن و اصلا جوابی نشنیدیم تا ساعت ۱۱ بعد از ظهر بدون اینکه نهار خورده باشیم در تحض بودیم و خواستار آزادی دوست کارگری که الان در زندان است بودیم ولی خبری که در شهر شنیده می شد و می گفتند به بیکاران حمله می شود و عصر ساعت ۸ به خبری که رسید الان می بریزد ما برای جلوگیری از افشاش به تحض خود پایان دادیم حال ای ملت مبارز ایران خود... تان قضاوت کنید.

در پایان از پیشگاه تمام ملت مبارز ایران می خواهیم برای آزادی برادر کارگرمای ما یاری نمایند.

"از طرف کانون بیکار و اخراجی و اتحادیه پروژهای تبریز و حومه" ۵۸/۴/۲۴

کارگران کانون بیکار و اخراجی و کارگران اتحادیه پروژهای تبریز و حومه برای رسیدن به خواسته های کوتاه مدت خود پس از مدتها مذاکره و تحض و نامه و... نخست برای اینکه هن مردم ناآگاه و مسئولین امور را نسبت به خواسته های خویش روشن سازند و قبلا از هر نوع سوء استفاده ای که معمولا از خواست های برحق کارگران میشود و از هر نوع مارک و تهمتی که به کارگران می زنند پیشگیری کنند در تاریخ ۵۸/۴/۲۱ با انتشار اعلامیه ای توضیحی خواسته های خود را با دلیل و منطق و نشان دادن راه حل بیان کردند، تا دور دیگری از مبارزه برای نجات خود و خانواده هایشان را از گرسنگی (بعنوان خواسته کوتاه مدت و فوری) آغاز نمایند. این اعلامیه با بی توجهی مقامات مسئول روبرو شد و بهمین علت کارگران در روز ۵۸/۴/۲۴ دراستانداری متحصن شدند و در حین این تحض بود که حدود ۲۵ نفر آنها دستگیر شده و مورد شکنجه قرار گرفتند. شکنجه ای که خاطره ساواک را که هنوز در ذهن هاست (و سرمایه داری موفق به بازسازی قسمت هایی از آن نیز شده است) به

روز یکشنبه ۵۸/۴/۲۴ ما کارگران اتحادیه کارگر... ان پروژه ای و کانون بیکار و اخراجی تبریز و حومه با اعلام خواسته های کوتاه مدت و منطقی خود که قبلا طی مذاکرات و تحض ها و نامه های زیاد به مقامات مسئول و حتی با معاون وزیر کار که در آن زمان جناب وزیر در خارج بوده مذاکراتی بعمل آمده، ولی متاسفانه بعد از بحث و مذاکرات جواب قطعی و صریح نشنیدیم، در آموزشگاه حرفه ای واقع در کوی منظره و اداره کار و رادیو تلویزیون جهت این خواسته های کوتاه مدت و مخصوصاً آموزشگاه که حق مسلم ما کارگران است که بعد از انقلاب چه از طریق آموزشی و حرفه ای و اجتماعی از این آموزشگاه که چند میلیون بود چه عاقل و باطل مانده است، استفاده نتایم بخاطر این خواسته... چیز تحض اختیار نمودیم لذا بعد از بی نتیجه ماندن خواسته هایمان روز یکشنبه ۵۸/۴/۲۴ از ساعت ۱۲ صبح دراستانداری متحصن شدیم. (البته خواسته... های برحق کوتاه مدت مان در اعلامیه توضیحی مورخه ۵۸/۴/۲۱ اعلام گردید و آن اعلامیه بخاطر آگاهی ملت به این اعلامیه ضمیمه می کردیم با توجه به اینکه مقامات مسئول و کمیته ها از خواسته های ما با خبر بودند و می دانستند که این خواسته ها نه تنها ضد انقلابی نیست بلکه کاملا انقلابی است، در عوض بدون توجه به خواسته های ما و کوچکترین اعتنایی به وضع کارگران که از بیکاری جان به لیشان رسیده حتی پول تاکسی هم ندارند. پولش را از آشنایان قرض کرده بودند، حتی بدون توجه به اینکه کارگری می گفت به زنگ گفته ام تا زانیکه کار یعنی ابتدائی ترین حق مسلم هر کارگر و زحمتکش است ندهند. به خانه باز نخواهم گشت، چون دیگر تحمل ندارم به روی بچه هایم که نان و غذا و پوشاک می خواهند نگاه کنم. بالاخره ساعت ۵/۵ بعد از ظهر همان روز کمیته ما با توطئه های قبلی به تحض کارگران حمله کردند و ما کارگران را محاصره نموده و می گفتند فرار کنید که البته کارگران توطئه آنها را درک کرده به زمین نشستند، البته توطئه طرح ریزی آنها به احتمال قوی بشرح زیر است. که کارگران را در حال فرار از پشت به رگبار ببندند و بگیر و ببند راه بیاندازند که با هوشیار... ی کارگران موفق نشدند. در این موقع از جاهای حساب و بطور پراکنده تیراندازی نموده که می خواستند سب و هشت به کارگران بیاندازند. و از ما کارگران پی در پی می خواستند فرار کنیم. ولی کارگران مقاومت و شهاست بخرج داده به زمین نشسته توطئه های آنها را خنثی نمودیم. بعداً کمیته به نیرنگ دیگری متوسل گشته یعنی حدود ۲۵ نفر از کارگران را دستگیر و به داخل سالن استانداری بردند. کارگران دستگیر شده را در داخل سالن استانداری بعد از بازرسی بدنی به اصطلاح اینکه مثل رژیم طاغوتی خرابکار گرفته اند روبرو دیوار کرده و زود می گفتند که هیچ حق اعتراض و حرف زدن با کسی دیگر ندارید ولی کارگران متحصن در حیاط استانداری اعتراض به دستگیری دوستانشان نمود برای اینکه کارگران دستگیر شده به کمیته منتقل نمایند، و متحصنین را به یک گوشه حیاط جمع کرده و بر طبله دستگیر شدگان تحریک می کنند.

در کمیته آزادی وابسته به حزب اله چه گذشت؟

بعد از وارد شدن کارگران دستگیر شده به کمیته (آنها را) به درون استخر که در محوطه بود انداختند. اول کارگرانی که سبیل داشتند، یک طرف سبیل... (تمام پرانتزها از ماست)

# گزارشی از گرد هم آیی کارگران نیروگاه زرگان اهواز: چه کسی در تولید اخلال میکند؟ رؤسای مزدور یا کارگران؟

## حسن نژیه از کارگران خواست تا تنبل نبودن خودشان را ثابت کنند!

است! ( ) هزار هزار جمع میشوند و لزومی ندارد با خانۀ بدهند. ضمناً من از امروز در حضور آقای خان سفید اعلام میکنم که دیگر حاضر به قبول پست نیروگاه زرگان نیستم و هیچ مسئولیتی ندارم و با حالت عصبانی کنار رفت.

در این موقع خان سفید بدنبال سخنان مهندس شیرازی از او خواست که فعلاً منت بگذارد و در همین نیروگاه تا تعیین رئیس نیروگاه بماند. کارگران به عدم برابری حقوق خویش با شرکت نفت و گمرک و شهرداری نیز اعتراض داشتند که این موضوع از جانب خان سفید و حسن نژیه (که در آنجا حضور داشت) علامت مالی شد...

حسن نژیه در این باره با کارگران گفت: "قبل از این حرفها لازم است اول نیروگاه راه بیندازید و کارکنید تا بما ثابت کنید که شما تنبل نیستید، بعد این ادعاها را بکنید. اصلاً شما الان هشت ماه است مفت و مجانی دارید حقوق میگیرید و این ادعاها را می کنید.

در این موقع یکی از تکنسین های تعمیرات که داشت از کوره در میرفت با عصبانیت گفت این چه حرفی است می زنی؟ یک مدت اعتصاب بوده، ما کار نمی کردیم و یک

نیروگاه زرگان اهواز بعلت سوختن آگزی اوپل به پ آن بعدت ۵ ماه از کار افتاد و چون این وسیله می بایست از انگلستان آورده شود، مدتی طول کشید تا آنرا از خارج آوردند. پس از نصب آن، کارکنان آن و بخصوص کارگران همیشه آماده کار بودند ولی بعلت اینکه رئیس نیروگاه برای انتقال خودش دوندگی میکرد و دو معاون دیگر آن بعلت کشمکش مخفی که بین خود و شورای اسلا می نیروگاه داشتند، سرشان گرم بود. کسی بفکر راه اندازی نیروگاه نبود و تا تاریخ ۵۸/۳/۳۰ بمدت هشت ماه نیروگاه از کار افتاده بود. برای راه اندازی نیروگاه شورای اسلا می شروع به فعالیت کرد که بعداً این شورا با تحریک دو معاون مهندس شیرازی یعنی مهندس فرورزش و مهندس سجاد پور منحل و تجدید انتخابت با تگردید و شورایی دیگر تشکیل شد که افراد آن باز هم برای راه اندازی نیروگاه دوندگی می نمودند ولی بعلت اینکه خود رئیس نیروگاه و دو معاونش حتی از حداقل همکاری خود داری میگردند و فقط دنبال کارهای شخصی خود از قبیل انتقال و تثبیت موقعیت بودند شورا کاری از پیش نمی برد و بخصوص هر کاری که شورا میخواست انجام میداد با مخالفت مسئولین مواجه شده و شورا عملاً قدرت اجرایی نداشت. تا روز ۵۸/۳/۳۰ معاون بهره برداری توانیر ایران بنام خان سفید برای رسیدگی به امور نیروگاه را مین به اهواز آمد و در کارخانه شروع به صحبت کرد و کارگران و کارمندان از او در مورد حقوق و امکانات رفاهی و انتخاب مدیر جدید استوالاتی کرده و نظر خود را نیز اعلام می نمودند.

او در مقابل نظر کارگران که خواستار انتخاب مدیر با آرای خود بودند، با حالت عصبانی گفت: "اصلاً چنین چیزی ممکن نیست و رئیس نیروگاه را خود ما تعیین می کنیم." و چون خیلی از کارگران و کارمندان به این جواب او اعتراض کردند به افترا و تهمت متهمشان کرد و گفت شما میخواهید کسی را انتخاب کنید که دست و پا باز باشد و جیب هایش را در اختیار ما بگذارد. او با نظر کارگران موافقت نکرد و گفت: "اصلاً چنین کسی را بین شما نمی بینم. اگر می خواهید مهندس فرورزش و یا مهندس سجاد پور را رئیس نیروگاه می کنیم." در جواب پرسیده دیگر کارکنان که می گفتند: خانه هائی را که در اختیار توانیر هستند و یکی از آنها در اختیار مهندس شیرازی است (در حالیکه او در اهواز یکی دو خانه دارد) در اختیار کارکنان قرار دهید تا حدود شش هفت خانواده از ما کارکنان در آنجا سکونت کنیم. خود مهندس شیرازی با حالت بسیار عصبانی و برافروخته و با صورتی که کسران اوست که در خانه ای که او ششست کارگر بنشینند و با منطق بیگانه سرمایه دار گفت: که این چه حرفی است که شما می زنی. من باید خانه داشته باشم و حق من هست. این یک عرضه و تقاضا است و اگر آگهی توی روزنامه بزنند و بگویند ما مهندس می خواهیم کسی حاضر نمیشود و لازم است که به ما امکانات بدهند تا ما به اینکار جلب شویم ولی اگر آگهی بدهند و بگویند تکنسین می خواهیم (تفت کارگر، چون آن دیگر وضعیت معلوم

مدت هم منظر می بودیم. الان هم آماده ایم کار کنیم ولی چرا احکام ما صادر نمی شوند و چرا بما امکانات رفاهی نمی دهند. این تکنسین مبارز سپس گفت ما نیروگاه را راه می اندازیم فقط رئیس که انتخاب می کنید بگذارید دست و پالش باز باشد... و بدنبال صحبت های این تکنسین، همه کارگران، کارمندان شروع به حرفهای قلیبی اش را تکرار کرد. در همین حال یکی از کارگران عصبانی با صورتی که مثل خون فرزند شده بود گفت ما می گوئیم دست و پالش باز باشد و نه جیبش. این چه حرفهائی است که می زنی؟ خان سفید بروی خود نیاورد که اشتباه کرده و گفت اگر نمی خواهید یکی صحبت بکنید و ساکت نمی شوید و به حرفهایم گوش نمی دهید، من میروم. خدا حافظ شما...

یکی از کارمندان حسابداری که در زمان اعتصاب طاقتی فعالیت داشت و الان مثل اینکه تمام آرزوها و امیالش رسیده باشد، خطاب به آقای خان سفید گفت: جناب خان سفید در یک حرکت توحیدی... که حرفش را خان سفید قطع کرد و گفت: البته در یک جامعه توحیدی همه برابر هستند و همانطوریکه آقای خان سفید عصبانی بشود من هم حق دارم عصبانی بشوم و مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت...

## مبارزات کارگران تراکتورسازی و توطئه های رنگارنگ بر علیه آنان عناصر وابسته حزب توده در اینجا نیز همراه مدیران هستند

کارگران و شوراهای واقعی باید حساب عمومی را که تشکیل عمومی کارگران است و مدام از طرف عوامل سرمایه داران و مردوران رژیم ساسی و طرفداران دولت صلی در برابر آن سکا داری میشود تشکیل داده و کارگران را در ارناسط زردک با هم دیگر و آشنا به دردها و رهموهای هم دیگر فرار دهد. مصمانی که سوسله شوراهای سارس در اطافهای در سنه کرفس میشود نسبه به نفع کارگران بلکه به سود سرمایه داران است. سرمایه داران در مددند که شوراها را منحل کنند و در صورت عدم موفقیت شوراها را به آلت دست خود بدل کنند و از طریق آن کارگران را به سارس با خود کشند. کارگران باید حسن شوراها را افشاء کرده و شورای واقعی را تلسع و ترویج کرده و بر سر کار آورند. بر مررا دادنا در نزد کارگران در مقابل سوطئه های سرمایه داران و حامیان آنها

در شماره میل به علت کمبود جا سواستنم اسن گزارش را بطور کامل ناوریم. در آن شماره گفته شد که شورای کارگران نوانست با حراسکارها و توطئه های مدیران کارخانه و استنادار مقابل کند و امور مربوط حفاظت کارخانه از کنترل شورا خارج میشود. درنده شورا نمیتواند مانع ورود مدیران به کارخانه شود. از جنیدی قبل از طرف دولت، چرخ می به عنوان دفتر کارخانه منتخب و بکارخانه آمده است و اینجک گفته گزارش را مطالعه میکنید: مدیرعامل استعفا روز شنبه ۵۸/۴/۹ بکارخانه آمده اعفاء شورا راجع کرده و مگوید که شورا باید منحل شود و شما سندنگای خودتان را تشکیل دهید. او مگوید شورا از لحاظ سیاسی خیلی بالاتر است و حوس آکاهی سیاسی کارگران کم است اول باید سندنگا درست کنند، بعد مگوید عده ای مدیران که هیچ کار خلاصی انجام ندادند! بناوریم کارکنند. عکس العمل مخالفت آسز شورا در مقابل اسن حرفهای مدیر حدبصعیف بوده است. فقط یکی از اعضا، ز شورا دفاع میکنند و یکی دیگر نیز مگوید شما مثل اینکه ما مدیران قبلی شما گرفته اند و آنها شما را بر کرده اند، که مدیر عامل مگوید سر فقط یکی را دیده ام. عده ای را سانسنگان شورا در عمل نشان داده اند که حاضر به سارس با دولت هستند و عده ای نیز در برابر توطئه ها عقب نشینی کرده اند. کارگران خواستار تجدید انتخابات شورا هستند. کارگران مبارز میبهند که شورا در مدت اخیر فقط تحت فشار کارگران بوده که از آنها حمایت کرده و در مقابلشان مقاومت نکرده است. کارگران مبارز خود در حرسان اخراج مدیران، سوتنه های کارگری را سبه دنبال عمل انقلابی کشیده و نشان داده که شورا سبه نهائی قادر به اسن کار نیست و این کار شنا عریعه کارگران و سانسنگان آنها و عناصر طرفدار کارگر اکیا سیدر است.

## اتحاد کارگران شرکتهای حفاری (فت)

پسار مبارزات و تلاشهای پیگیر و مداوم، تحصی ها و اعتراضات جداگانه شرکتهای سوانخام کارگران حفاری در تاریخ ۲۷/۴ که مصادفا با اعتصاب پرشکوه ۲۳ تیر سال ۲۵ کارگران شرکت نفت بود، دست به اتحاد واقعی و همه جانبه زدند. اسن یک تعبیر مهم و برارزش در مبارزات کارگران حفاریست. زیرا تا پیش از اسن، کارگران حفاری هر شرکت بطور جداگانه به مبارزه و اعتراض میپرداختند. مقابله با شرکت ساری از آنها بدل راه نمی دادند و با خود می گفتند آنها کارگران یک شرکت هستند کاری از پیش نمیرند ولی با اسن اتحاد دیگر چنین نیست.

## اعتصاب کارگران وابسته به شرکت نفت

حدود ۸۰ نفر از کارگران بسمانی قسمت حمل و نقل شرکت نفت در مسجد سلیمان از تاریخ ۵۸/۴/۲۷ ساری رسمی شدن دست از کار کشند. اعتصاب کارگران بسمانی واسسه به شرکت نفت در سایر شهرهای خوزستان، اهواز، آبادان و آغا جاری نیز هم اکنون جریان دارد.

## اعتراض کارگران شرکت مهک پیمانکار شرکت توانیر اهواز

کارگران شرکت مهک پس از ۶ ماه که از نبرد اختن حقوق آنها می گذرد با اینکه بارها از مسئولین خواستند که حقوق آنها داده شود و نیز پس از تجمع های بیپایسی در روز ۵۸/۳/۳۰ با خشعی که ناشی از تنگدستی بود بد فتر مهندس شیرازی رئیس نیروگاه زرگان مراجعه ولی او را در دفتر نیافتند و تصمیم گرفتند که در همان نیروگاه تا آمدن مهندس شیرازی اجتماع نمایند. در ساعت حدود ۱ صبح مهندس شیرازی با اتفاق ۳ نفر از مسئولین توانیر (تهران) که برای رسیدگی به امور کارکنان توانیر به اهواز آمده بودند به نیروگاه وارد شد. قبل از اینکه مسئول مربوطه صحبتی نماید یکی از کارگران گفت: آشنا ما هیچ صحبتی با شما نداریم فقط این را بگویم که مدتی است خیلی از رفقایمان و خود من بی دین شده ایم و ظرفیت و صبر انقلابی نداریم اگر چیزی غیر از اینها داری بگو، در ضمن من امروز تو را به خانه ام دعوت می کنم و به شهادت رفقایم که من چند تنگه قالی داشته ام حالا اگر در خانه ام بجز زیلو چیزی دیدی هر چمن میگویم دروغ است. و چون خود کارگران از اول قرار گذاشتند که اگر قرار است شرکت مهک تعطیل شود بجای حقوق شان وسایل شرکت را بفرشند و حقوق خویش را ببرند. مسئول توانیر گفت که دو نفر نماینده انتخاب کنید تا با خود ما بنهران بیایند و جریان را در آنجا بگویند و اگر قرار شد، وسائل را بفرشید و حکم اخراجی خودتان را بگیرید.

## هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران، تهران شعبه ۱۳۲۹۹ خابان کارگر (اسر آباد جنوبی سابق) واریز نمایند.

# از خواست های همافران مبارز وسایر پرسنل انقلابی ارتش پشتیبانی کنیم!

مدتی است که بشرونیس و اسفلی تریس نیروهای مبارز ارتش، بخاطر خواستهای اساساً سیاسی و مترقی دست به اعتراض و تحصن زده اند. در این میان همافران مبارز ستون فقرات و اکثریت اساسی نیروهای انقلابی و فد امیرالیهست را تشکیل میدهد. این نیروها بر عکس آنچه که تا کنون کوشش شده اسرار جانب دولتی و فرامادهان نظامی به مردم لقاؤت، صرفاً بخاطر مسائل خاص خود به تحصن و اعتراض اقدام ننموده اند. بلکه اعتراض و تحصن آنها که مبارزه و نصیحتات زیادی را نیز برای آنها در بر داشته عمدتاً به دلیل مسائل سیاسی بوده است. آنها در اعتراض به سازش و نرومنی خطرناک و ارتجاعی دولت و سوان ارتش با امیرالیهست و لیسیم و سرکوب نهادهای مترقی و مردمی تارخ سنا ددرون ارتش - نیروها - توسط دولت و فرماندهان کسوتی ارتش که بسیاری از آنها حامیان و سر سردگان سینه چاک رژیم سافت شده و تحصن آنها اند، دست به تحصن زده اند. وجه غالب خواستهای ارتش از همافران مبارز همانا انعکاس گوشه‌ای از خواستها و آرزوهای رحمتکشان ایران داسر بر مبارزه قاطع بر علیه امیرالیهست خونخوار آمریکا و قطع هرگونه وابستگی - از جمله وابستگی نظامی - به این نیروی امیرالیهستی و سایر امیرالیهستهای تجاؤز- گر، تشکیل ارتش خلقی از نهادهای مبارز و انقلابی خلق و نیروهای مترقی و فد امیرالیهست درون ارتش، طرد کلیه مستشاران خارجی از ایران و... میباشد. ولی در عوض، در مقابل خواستهای به حق و مترقیانه پرسنل مبارز نیروهای ارتش، دولت برای آنکه سواند به وظایف خود که همانا حمایت از سرمایه داران و رمنی - داران سرگ و سرکوب نهادهای ستمدیده خلق ما می- باشد، به خوبی عمل کند، ما تمام سوا تلاش میکنیم که ارتش را همان نهادهای ارتجاعی و ضد خلقی - گذشته و ما سرعتی هرچه تمامتر باسازی کند، تا بتواند برای رویارویی با خلق از آن به مناسه کار - سازترین حربه اعمال حاکمیت استعاده عملی بیبرد. همانطور که در کردستان، گنند و ننده آنرا مسورد استفاده قرار داد. اسان در اسنراه حی حفظ ظاهر را نیز مراعات نکرده. علیرغم اعتراض شده توده ها و ارتشیان مبارز از نکار گریس افراد مرنج و حساس - کاری جون سرتشب فلاحی هم ابا میکنند و فراماندهی ستاد ارتش خود را سکی از امرا و نئو رسیسهای ریسده و وفادار ارتش تاهشاهی، سعی سرلشکر سرد میسپارند. در تداوم این خط مئی مد اسفلی ساری ار ضد ..

سازمان ما صن تاثیر و پشتیبانی از خواستهای محاسه و عادلانه همافران و سایر پرسنل انقلابی ارتش معتقد است که خواستهای برادران مبارز و انقلابی پرسنل ارتش میتواند و باید ارتقاء یابد و اسناد این طئی متشکل از نیروهای مبارز خلق و پرسنل ارتش، از آجراج کلیه مستشاران خارجی، لغو تمامی قرار دادهای نظامی و... را در نگیرد.

پسرورناد مبارزات پرسنل انقلابی ارتش!  
بیس به سوی اسناد ارتش خلقی!  
مرگ بر امیرالیهست آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

"سازمان سکا در رده آزادی طغه کارگر"

۵۸/۴/۲۹

ادامه صفحه ۵ مسئله ای بنام...  
وسد راه توطئه های امیرالیهستی - صهیونیستی - ارتجاعی - عسی گوناگونی است که برای تثبیت موجودیت اسرائیل بعنوان پایگاه مقدم امیرالیهست و نیروهای ضربتی آن در منطقه، برای حذف خلقی بنام خلق فلسطین از صحنه سیاسی خاورمیانه، برای سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و زحمتکشان عرب و برای به ثمر رساندن پیوند نامقدسی است که بین بورژوازی وابسته مصر برهبری سادات (به عنوان پیشقراول بورژوازی وابسته و ارتجاع عرب) با دولت صهیونیستی - بنامه "نماید" امیرالیهست آمریکا بسته شده است. هدف از بیماریهای مداوم بمب افکنها و تجاوز تا کنها و نیروی پیاده نظام اسرائیل و حتی استقرار نیرو در داخل لبنان و پیاده کردن استراتژی "پاکسازی" جنوب، نابود کردن فلسطینی ها و هواداران لبنانی آنها و اصولاً تخلیه این مناطق از طریق کوچاندن لبنانیهای جنوب می باشد. تا ارتش مسیحیان دست راستی که کاملاً از سوی اسرائیل پشتیبانی و تغذیه می شوند، جای آنها را گرفته، کمربند امنیتی مستحکم برای اسرائیل در این نقطه بسیار ضربه پذیر اسرائیل بوجود آورند.

چنین است اهمیت جنوب لبنان که آنرا در حال حاضر، همچون کلیدی منحصر بفرد جلوه گرا سخته که طرفین نبرد، یعنی انقلاب و ضد انقلاب بر سر دست یافتن بدان، در نبردی سرنوشت ساز درگیرند.

## نوع استخدام جدید

مدتست توسط انجمن اسلامی معلمان تهران (واقع در خیابان مجلس، شب مجلس شورا) اورا فی در اختیار داد و طلبان استخدام در آموزش و پرورش قرار داده میشود که حی دو امضا روی آن جلب نظر میکند. در صورتیکه داوطلب نتواند این دو محل را با مفاي دونفر مسلمان مورد قبول انجمن (اعم از دوبارای، معلمان مسلمان، دو معیبه،...) برساند، استخدامش در آموزش و پرورش از طریق انجمن مذکور در اسرع وقت صورت مسگیرد.

**کارکنان مبارزان خون پرورش فکری کودکان، به مبارزه خود ادامه میدهند**

حدود یک ماه (۵۸/۴/۲) از اعلام درخواست های شش گانه کارکنان مبارز این کاسون و آغاز تحصن آنان می گذرد. آنان در این مدت همچنان مبارزه برای بازگرداندن همکاران اخراجی خود، برای رسمیت شناختن شورای واقعی، و افشای ماهیت زدها و وابستگی به رژیم گذشته، و محاکمه آنها که اکسون در لبنان اسلام در آمده و به سرپرستی (رسی) نزدیک شده اند و... را به طرق مختلف بخصوص تحصن ادامه داده اند. پس از اخراج صلحانه آنان از محل تحصن ۱۵ روزه خود، سنا ابتکارهای جدیدی نظیر اجرای نما سنا مه در راه، خواست های خوبی، مبارزه، خود را ادامه میدهند.

## گرامی باد خاطره مجاهد شهید:



### غلامحسین عالم زاده

رور بیست و ششم تیر ماه امسال هفتمین سالگرد شهادت مجاهد خلق غلامحسین عالم زاده است. شهید عالم زاده در سال ۱۳۲۴ در شهر کرمان متولد شد. پس از پایان دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه کسه در خلال آن بنگ سلسله آگا هیبای سیاسی و اجتماعی دست یافته بود، بکار در معادن دغال سنگ کرمان وابسته به شرکت ذوب آهن پرداخت. او از نزدیکان شدت استعمار و نهایی محرومیت و مفسده زندگی کارگران معدن آشنا گردید، و بدارک عینی از سستم استثمارگر و نظام فذخلفی شاه مخلوع نائل گشت و راه نجسبات و رهاهی زحمتکشرا در سرنگونی آن رژیم با اعمال قهر توده ای یافت، در نتیجه برای بیمودن راه خلقی بسوستن به معانقلابسون راستین خلق (تماس گرفتن با آنها) با تلاش بگیری خود وارد دانشکده علم و صنعا سراس (هنر سراس عالی سابق) شد. و خلی زودبا شرکت در فعالیت های سیاسی و صفی دانشجو بی، با هممکران انقلابی آشنا گردید. و پس در سال ۱۳۵۰ به عمویت سازمان محاهد صن خلق در آمد. قاطعیت و مصمم بودن شهید عالم زاده زنا نزد برادران سازمان بسود. شاعر اس بود: "نابدم چون خلق زیستنا دردها و محرومیتها بشانرا درک کرد."

مجاهد شهید عالم زاده در بیست و ششم تیر سال ۱۳۵۱ در یک نبرد نابرابر با مزدوران رژیم منحوس پهلوی در خیابان ابراهیمیر تهران شهادت رسید.

یادش گرامی باد

## معرفی کتاب

چندی پیش انتشارات "ندای کارگر" کتابی منتشر کرده است تحت عنوان "جامعه سرمایه داری را بشناسیم - دفتر اول: استثمار". تهیه کنندگان این کتاب سعی کرده اند با بسانی روان و ساده، اساس روابط تولیدی جامعه سرمایه داری را شرح دهند و مسئله تولید ارزش افزایی و استثمار طغه کارگر توسط طبقه سرمایه دار را که سنگ بنای جامعه سرمایه داری است، تشریح نمایند.

این کتاب با بررسی چگونگی سیدایتی سرمایه داری و سیر رشد طبقات سرمایه دارو کارگر، در واقع نشان میدهد که نظام سرمایه داری موجود بک نظام ابدی نیست، بلکه مانند هر پدیده دیگری زمانی به وجود آمده و زمانی هم از بین خواهد رفت.

این کتاب صرف نظر از برخی ایرادها روی مرفه کتابی است بسیار مفید و ما خواندن آن را به کسانی که علاقمند به شناخت جامعه سرمایه داری هستند قویا توصیه میکنیم. این کتاب به ویژه برای آن دسته از کارگرانی سودمند است که با میا حث علمی و جامعه شناسی آشنائی ندارند و با تازه آغاز به مطالعه کرده و با آن آشنا شده اند. زیرا در عین سادگی بیان، مطالب آن به صورت سطحی ارائه نشده است. همچنین این کتاب میتواند برای کسانی که به کارگران آموزش میدهند، بسیار مفید واقع شود.

اخیرا دفتر دوم این کتاب نیز که به بررسی "دولت" پرداخته، منتشر شده است.

دفتر سوم این کتاب به بررسی حزب اختصا داده شده و قرار است در آینده توسط "ندای کارگر" منتشر شود. ما برای این انتشارات آرزوی موفقیت بیشتری در امر آموزش کارگران و ارتقاء سطح آگاهی آنان داریم.

**کارگر، به پیش!**

روزنامه ۱۳۳۰ روزی سهشنبه  
در انتصاب میانی ۱۳۳۰ روزی سهشنبه

**از انتشارات  
جدید  
سازمان:**

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا  
دشمن اصلی خلقهای ایران**